تاریخ قم

فارسی

محمد تقی بیگ قمی

عبدالرحیم تفرشی

۱۲۹۵

تاریخ قم

محمد تقی بیگ قمی

۱۲۹۵

تاریخ قم

محمد تقی بیک قمی

۱۲۹۵

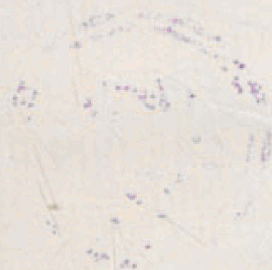
۵۰۴

تاریخ قم

فارسی

محمد تقی بیک قمی







هذا کتاب تاریخ دارالایمان قم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی خلق الاشیاء من العدم الذی علم بالقلم وعلم
الانسان ما لم یعلم والصلوة والسلام علی اشرف اولاد آدم
الصادر الاول الملقب بنبی الخاتم و علی آله الکرام البررة سیما ابن
عمه قاتل الکفرة والفجرة ولیث القسورة علی امام الانس والجان
وبعد چون رای بیضا ضیای امنای دولت قاهره و اولیای سلطنت باهره
بر تالیف و تصنیف کتاب مرآت البلدان فی احوالات بلاد
الایران صانها الله عن الحوادث والحدثان قرار گرفته بود که در هر شهری

بصیری

بصیری و خبیری از اهل ولایت باشد احوالات آن ولایت را
بقدر قوه و دانش خود بنگارد و اتمام این عمل را در دارالایمان قم از
بندگان قوی شوکت و شان سلاله دودمان مصطفوی خلاصه
سلاله مرتضوی مقرب الخاقان مؤتمن السلطان میرزا سید مهدی
حکمران این ولایت خواسته و بندگان شوکتمدار معظم الیه انجام
این خدمت را از این چاکر جان نثار خواسته و بعهده این بنده گذارد
بنا بر سوابق نعمت ایشان که در رگ و پوست این بنده جای گرفته
متقبل این خدمت شد امید که صاحبان بصیرت علم ادبیت
و تواریخ بر اسلوب نامرغوب آن نکته نگیرند و اگر خطائی رفته

بعفو کریم خود بپوشانند و این کتاب را در جزو تواریخ قم کتابی تازه
قرار دهند و این کتاب مشتملست بر مقدمه و چند باب مقدمه در احوالات
هوای قم و آب آنجا و حاصل و ارتفاعات و هوای این ولایت
گرمسیر است بگرمی معتدل حصادت جو و در اول جوزا بدست میآید
و گل و ریاحین در اول نوروز شکفته میشود حاصل باغات اغلب انار و انجیر است
و صیفی خربزه و هندوانه و چغندر و کرچک و میوه‌های آن توت و گوجه
و زردآلو و خیار زیاد دارد و آب آنجا از رودخانه انار بار است که از کوهسار
بختیاری برمیخیزد که با سرچشمه زاینده رود اصفهان از یک کوهسار است
بر ولایت کلپایگان و کمره عبور کرده بشهر قم میرسد و از قم گذشته از محال می

قمرود عبور

قمرود عبور نموده در پل دلاک که چهار فرسخی زیر قم است داخل رود
خانه ساوه میشود که بقراچای مشهور است و هر دو رودخانه باتفاق میرود
تا به سیله در آنجا پهن میشود و فرو میرود و پیش از ظهور اسلام آب
در انجا دود کمیاب بود بحدیکه در باغات آنجا بغیر از انار و انجیر و فستق
چیزی از فواکه نبوده و صیفی کاری آنجا بغیر از قردم که باصطلاح اطبا کافشه
میگویند انشاء الله اسباب آبادی آنجا در بابهای دیگر نگاشته خواهد
شد **باب اول در ذکر قم** که چرا آنجا را قم نامیده اند احمد بن ابی عبدالله
برقی در کتاب بنیان نوشته که شهر قم را از آن قم نام کرده اند
که در ابتدای حال مستجمع آبها بوده که از ثمره و انار می آمده و در این اراضی

جمع شده و هیچ منفذی و راه گذری نداشته و بحوالی و جوانب او
نباتات و چمن زارها بوده است چنانچه چراگاه دواب بوده که
از کثرت نباتات او را کبر دشت نام کرده بودند و عرب محل جمع
شدن آبها را قم گوید و از نیجهٔ است که قمقمه گویند و جمع آن قماقم
و چون مجمع آبهای ثمره و انار بار بوده آنرا اعراب اشعری که ذکر آنها
بتفصیل میشود قم نام نهادند چون در سابق که اینولایت در تصرف
مجوسان بوده رعات و شبانان در اطراف آن خیمه زده و خانها
از نی ساخته بودند که باصطلاح اهل فارس آنرا کومه گویند بعد بسبب مرور
ایام تخفیفی در اسم کومه داده کم گفتند بعد اعراب اشعری در آن

نا و اکرفته معرب کرده قم گفتند احمد بن محمد بن اسحق همدانی الفقیه
روایت کند که در کتاب که او را کتاب بلدان نام نهاده قم را قم
ساره این لهراسب بنا کرده است و ابو عبد الله حمزة بن حسن اصفهانی
در کتاب اصفهان یاد کرده است که چون اعراب اشعری بقم آمدند در جوانب
قم در خیمهای از موی و پشم نزول کردند چون در آنولایت متمکن شدند در آنجا
خانها ساختند و سراها بنا نهادند و عمارتها کردند و فرود آمدن ایشان در هفت
قریه بود که قریه ممجان و قزدان و مالون و سکن و جلیناباد و کمیدان
بوده و الیوم آن قراها سته بغیر کمیدان همه داخل شهر شده است و از نامهای
هفت گانه شهر را باسم کمیدان خواندند که از سایر دهات مشهورتر بوده

و بعد از مدتی در نام کمیدان اقتصار کرده آنرا کم گفتند معرب کرده

قم گفتند و در حدیث نبوی آمده است که در شب معراج جناب رسالت

پناهی ابلیس ملعون را دیدند که در این بقعه بزانو در آمده برنس بر سر دارد

حضرت رسالت از جبرئیل امین پرسیدند که این کیست و این بقعه را نام

چیست عرض کرد که این زمین مقدسیست که در این محل اجتماع

شیعیان علی ابن ابیطالب خواهد بود و شیطان باغوای آنها در اینجا منزل کرده

حضرت رسول خطاب عتاب آمیز با ملعون نمودند که قم یا عدو الله

ازان روز این زمین را قم نام نهادند در ذکر حدود و عرض

و طول و طالع و برج قم هست. برج قم جوزاست و هشتاد و پنج درجه



و پانزده دقیقه طول آنست از مشرق و مغرب صد و پنج درجه و عرض

آن سی و چهار درجه و سی دقیقه و ناحیه قم از جمله بلدان جبلست از اقلیم

چهارم و بلاد جبل عبارت از همدان است و ماسبذان که آن

سیروان است و مهرجانقذق که آن صیمره است و ماه بصره که نهاوندست

و ماه الکوفه که دینور است طرق قم شش راه است که باصطلاح تاریخ

قم تاریخ قم با پنجاه باب سوم دوده اول راه خراسان است که آنرا

درب ری گویند دویم راه آوه و ساوه که الآن بدرب معصومه مشهورست

سیم راه همدان که آنرا سرداب گویند چهارم درب عیدویه که حال از آن

اثری ظاهر نیست که بر محله میرقه لذ پنجم درب عراق است که درب

برید و نضر بن عامر اشعری میکشه اند الآن بدرب قلعه مشهور است را
ششم درب کاشان و اصفهان است که بدرب کاشان مشهور است
حدود و نواحی قم در قدیم چهلفرسخ در چهلفرسخ بوده است و در عراق چهار
شهر را مقابل هم گرفته اند اصفهان و همدان و ری و قم و از آن حدود
که در تاریخ قم نگاشته اند ساوه و کاشان و نطنز و سایر البلوک و خلجستان
و فراهان و تفرش و دیار اسحق داخل حدود قم بوده است و الآن
مجزی شده است و آبادی قدیم دخلی بحالیه او نداشته چنانچه از قرا
و باغات و طواحین و انهار رودخانه که تفصیل داده اند حال هم بهمان اسامی
معروف است و بعضی در علمیت اختلاف پیدا کرده از انجمله پنجاه و سه یک -

یک

یکطاحونه باسم و رسم قلمداد کرده اند و الآن پنجاه چهار بیشتر نیست
و در اعلای رودخانه پنجاه و یک نهر نوشته و حال ده نهر
بیشتر دایر نیست و پنجاه و یک قنات در اعلای رودخانه بوده
و حال با قنات مبارکه ناصری چهار قنات باقی مانده است همچنین
توابع هم از اینقرار است که ذکر آنها باعث تطویل است باب سیم
در بنای شهر قم چنانچه در اخبار قم ذکر شده هنگامیکه کیخسرو
بطلب خون پدرش بجنگ افراسیاب میرفت گذار او باین
بیابان که الآن ولایت قم است افتاده آن صحرا را پر آب دید
که آب رودخانه انار بار در آنجا جمع شده بود و راه بیرون

رفتن نداشت در انجا زبان خود آورد که اگر خداوند متعال مرا
در این سفر ظفر داد این آب را راهی پیدا کرده جاری می سازم
و این زمین را عمارت میکنم یکی از پسران گودرز که گیو نام داشت حاضر
بود سخن ملک را شنید پسر خود بیژن را گفت سخن ملک را شنیدی
اینجا باش و راه این آب را بگشا و در آن زمان در این کارها داناتر از بیژن
نبود و علم شناوری نیکو دانستی پس بیژن از ملک و پدر باز پس
ایستاده و آنجا بماند و در آنجا گردش کرده تا راه فرجه آب را دریافت
باریکه الان آب رودخانه قم از آن جاریست بشکافت و آب را
بطرف قم رود و مسیله روان ساخت تا آنکه آن اراضی خشک شد

بعد از آن

بعد از آن بیژن از عقب پدر رفت و باردوی کیخسرو رسید و
ملک را خبردار از کار خود نمود تا آنکه کیخسرو بر افراسیاب ظفر
جست و او را بکشت و در مراجعت آنجا در آمد دید که از آب خشک
شده پس گیو را گفت من از این عجب تر ندیده ام که این موضع در وقت
ذهاب پر آب بود و در ایاب بی آب است گیو گفت چون بنده
عهد پادشاه را شنیده ام بیژن را باین کار واداشتم که فرمایش شاه
بعمل رسد و توفیق او را یاری کرده است چون کیخسرو از ماجرا مطلع
بیژن را بدعای خیر یاد کرد و چهار خلعت و چهار اسب زرین ستام
با زین طلا مکلل بجواهر با چهار کمر زرین و چهار شمشیر باو بخشید و از نواحی

جرجان و خراسان چندین موضع باقطاع او داد و هر یک از آنها
و لشکر را حکم داد که گوشه از آن ملک گرفته برای خود قریه
بسازند اکثر قریه شهر بنام امرای کیخسرو بنا شده تا اکنون موافق
قول اول قم ساره ابن لهراسب در آنجا بنای شهر گذارده
بعد از آن در زمان استیلای اسکندر رومی که دارا را کشت اکثر بلاد
ایران خراب شد و در ایام ملوک الطوایف قم را آبادان بود
و عجمان در آنجا توطن داشتند و مالیات آنجا جزو اصفهان بود تا آنکه
اعراب اشعری که ذکر خواهد شد در آنجا توطن نمودند و اطاعت و تربیت
از حاکم اصفهان نداشتند در عهد خلافت هرون الرشید حکمش

حاکم اصفهان مالیات قم را از اصفهان وضع کرده حاکم علیحده قرار
دادند **باب چهارم** در ذکر آمدن اعراب اشعری از کوفه بقم مخفی نماناد که
اعراب اشعری از قبایل یمن بودند از آنجا هجرت نموده بخدمت حضرت
ختمی مآب استعداد جسته بشرف اسلام رسیدند و احادیث و اخبار در مفاخر
ایشان بسیار است تا آنکه فتح بلاد چیره شد و عرب بر عجم غالب آمد
اعراب اشعری در کوفه منزل گرفتند همه از شیعیان و موالیان
ائمه اطهار بودند و با خلفای بنی امیه علیهم الهاویه مخالفت داشتند چون زید بن
علی ابن الحسین در کوفه ظهور کرد احوص ابن سعد بن مالک اشعری با او
بیعت کرد و زید او را امیر لشکر خود کرد چون بدرجه شهادت رسید

حجاج یوسف ثقفی او را گرفته محبوس نمود چهار سال در زندان
حجاج بماند تا شبی حجاج با حضار مجلس خود گفت که اشراف
عراق کیست شد مردم جمعی را اسم بردند حجاج گفت این جماعت
اشراف عراق عبدالله سعد اشعری است که من مدت چهار سال است
برادر او احوص را حبس نموده ام و بمن اظهاری نکرده است هرگاه اظهار
مسئول او باجابت مقرون است با وجود آنکه از اکثر اهل کوفه توسط
کرده و من قبول کرده ام حاضرین مجلس که بیرون آمدند احوص را
از گفتگوی مجلس اطلاع دادند احوص گفت دوریست مرا رها کنند
روز دیگر حجاج او را از محبس بیرون آورده خلعت داده رها کرد این

خبر

خبر که بعبدالله رسید باو پیغام داد که باید مرا دیدار کنی و بطرفی
روی که بزودی حجاج پشیمان خواهد شد و تو را از من طلب خواهد
کرد قسم من راست باشد که او را ندیده ام در ساعت بجانبی برو
که من ندانم احوص بفرموده برادر بیکی از قرای خود رفت و پنهان
زیست میکرد تا آنکه دوستان حجاج اتفاق کرده باو گفتند
که تو سبعی از سباع کوفه را اطلاق کردی بی اذن خلیفه شاید
بدین واسطه خلیفه از تو مواخذه کند حجاج از رها کردن احوص پشیمان
شده کسی نزد عبدالله فرستاد که برادرت احوص را حاضر کن تا بجهة
او از خلیفه بواسطه حبس و خلعت و انعام بگیرم عبدالله قسم خورد

که او را ندیده ام و از منزل او خبر ندارم حجاج قسم او را
تصدیق کرد چه میدانست او از بیم جان قسم دروغ نمیخورد
او را رها کرد عبد الله و احوص بعد از ان همدیگر را دیدار کردند
بمواضعه نهادند که بودن آنها در کوفه اسباب هلاکت ایشانست
احوص با اهل و عیال و متعلقان بطرف بصره فرار کرد و از
آنجا بقم و عبد الله ضیاع و عقار خود را فروخته بقم آمد و بهای
ضیاع آنها پنجاه هزار دینار زر سرخ بوده است و بروایت
قاضی نور الله شوشتری در مجالس المؤمنین ذکر کرده که در زمان
حکومت حجاج در عراقین زمان خلافت عبد الملک مروان

بود

بود حجاج عبد الرحمن ابن محمد اشعث را با شصت هزار سوار بحکومت
سیستان فرستاد بشرط آنکه سمرقند و کابل و قندهار را صافی
درین ارسال رسایل درمیان عبد الرحمن و حجاج کدورت افتاد
کار بمعادات و مبارات کشید تا آنکه حجاج چند دفعه لشکر بر
عبد الرحمن کشید شکست خورد بعد از ان از سیستان قصد
عراق عرب کرد حجاج لشکری گران فرستاده در اهواز
تلاقی فریقین شد دران مقاتله عبد الرحمن کشته شد و لشکر او
متفرق شدند و ان در سنه هشتاد و دو هجری بود در لشکر عبد الرحمن
قبیله اشعری بودند که احوص و عبد الله ابن سعد و بنی اعمام ایشان

عبد الرحمن و نعیم ابن ملک ابن عامری و سایر قبیله ایشان همراهی
آنها آمدند بطرف عراق عجم تا حدود قم رسیدند در دامنه کوهی که
از آن کوه یزدان میکشند و اعراب اشعری همه از کوفه فرار کرده بایشان
پیوستند و جمعیت ایشان زیاد شد متفکر بودند که بکدام طرف
بروند در دامنه آن کوه چند قریه بوده است که الآن مزارع
حومه شهر قم است و آثار قلعهای قدیم الآن ظاهر است و عمارات
آنها خراب شده است مثل قلعه سجاران و قلعه ارستجان و قلعه
سواران و قلعه شادقولی که الآن بچهار شاخ مشهور است و رئیس
این قلاع خربنداد نامی از عجم بوده که بر سایر دهات حکمران بوده است

وخودش

و خودش ساکن قریه ارسجان بوده است و همه دهات چهل قلعه
و بچهل حصاران مشهور بوده که الآن اکثر آن قلاع باره و دیوار آن
باقیست خربنداد مذکور در دامنه کوه خیمه و رمه اعراب را دید نزدیک
آنها رفته حباب نامی از اعراب که زبان عجم دانستی ترجمان شده
شرافت و بزرگی مشایخ اشعری را از برای خربنداد بیان کرد و اقوال
طرفین را از در مهر و خفادت باهم بپایان نمود باهم نان خوردند و دوستی
نمودند در آن اوان معمول بود که دیالمه بر بلاد جبل غارت میبرده اند
و اسیر و ایلخی گرفته خرابی بسیار میکردند در آن اوان که ایام
نوروز عجم و کبران بعیش و طرب مشغول بودند دیالمه تاخت کردند

وحشم و مواشی کبران را غارت کردند و اسیر زیاد گرفته و حشم
اعراب از کبران خیال کردند بر آنها تاختند احوص و یاران سوار
شده دست به تیر و کمان و با نیزه نبرد آغاز کردند و دیالمه را شکسته اموال
و اسرای کبران گرفته و کشته زیاد و اسیر از آنها گرفتند سرهای
ایشان را با اسرا نزد بزرگ کبران فرستادند کبران بورود اسرا
و اموال شادمان شدند و وجود اعراب را در حدود خود مغتنم شمردند
و از برای آنها عهدنامه نوشته شد و قریه کمیدان را بجهة سکونت
ایشان دادند و احشام اعراب در اراضی آنجا چرا میکردند تا مدتی
برین برآمد و اعراب از املاک کبران ابتیاع نمودند و قوت

گرفته

گرفته و شریک نتیجه آنها در مالیات شدند چنانچه رسم اعراب است
تاخت و تاز و غارت اطراف دلیر شدند و کبران از همسایگی
ایشان تنگ آمدند تا درسالیکه احوص بجهة ملاقات حاکم اصفهان
بآنجا رفته بود و عبد الله برادرش در قم بود کبران شورش کردند
و بعبد الله ناسزا گفتند و خواستند عبد الله و اتباع او را بیرون
کنند و بشدتی مخاصمت کردند که در وقت اذان گفتن عبد الله سفاهت
میکردند هر قدر عبد الله آنها را نصیحت کرد فایده نبخشید تا آنکه
از کبران مهلت خواست که بعد از مراجعت احوص و سپری شدن
فصل زمستان از حدود قم بیرون بروند رؤسای کبران با تقرا



رضا دادند تا آنکه احوص از اصفهان مراجعت کرد و زمستان
گذشت نزدیک نوروز رسید احوص هرچه بگبران التماس نمود
که ازین غوغا دست کوتاه کنند فایده نکرد و تا مقارن عید نوروز
احوص غلامان خود را خواست و با آنها مواضعه نهاد که در شب عید که
گبران بعیش و طرب و لهو و لعب مشغول اند بقلاع آنها رفته بزرگان
ایشان را بقتل آورند غلامان بقرار معهود در شب در قرا متفرق شدند
و در وقت تاریکی شب که از باده ناب اهل هر قلعه مست طافح بودند
و با بستر راحت مشغول سر بزرگان آنها را از بدن جدا نموده بهشیاری
و بیداری آنها را بر در قشور انداختند و سرها را برداشته آورده در دالان

خانه

خانه عبدالله ریختند در ثلث آخر شب که عبدالله بجهة تهجد برخواست
که بمسجد قریب خانه خود رود پای او بسرها خورد در روشنائی خواست
دید که سرهای رؤسای گبرانست تعجب کرد احوص را اعلام نمود
او گفت که اینکار بفرموده من کرده شده صبح آنروز که عید عجمان بود
از هر قریه آواز نوحه و زاری بلند شد اعراب بر آنها مسلط و مستولی
شدند بدین سبب که شرب شراب ناب و استماع چنگ و رباب پیوسته
موجب اینگونه خفت و خواری و مذلت و گرفتاری بوده و هست
اینجا چنین کنند مکافات تا که ... احوال ظالمان بصف حشر چون بود
تا آنکه بمرور ایام املاک اعراب از قسم تجاوز کرده دهات

فراهان و ساوه را هم مملکیت گرفتند و صاحب اعتبار
شدند و در ایام مملکت اعراب و زمان خلفای بنی عباس هشت
دفعه ممیزی قم شده بتفصیلی که در کتاب تاریخ قم مسطور است
اعراب بعد از قتل اشراف گبر انبای حصار شهر را که از ده بعضی از
قریه کمیدان و ممجان میان رودان را که محل شهر قرار داده اند
و مساجد و منابر در آن بنا نهادند که ذکر آنها در جای خود خواهد
شد و در آن مدت مالیات قم جزو اصفهان بوده تا آنکه حکام اصفهان
از گرفتن مالیات آنها عاجز شدند در عهد خلافت هرون
الرشید قم را از اصفهان وضع نمودند باب پنجم در ذکر

بعضی

بعضی از مفاخر و مثالب اشعری یکی از مفاخر آنها اینکه عامر
اشعری بنادی غیبی خبر بعثت پیغمبر امی را در یمن شنیده از آنجا
هجرت کرده با چند نفر از قوم خود بمدینه آمده مسلمانی گرفت و
حدیث جفنه در وقت ورود آنها مشهور است که از غیب کاسه
طریدی در شب ورود آنها آمد که خوردند و ندانستند از کجا
آمده است دیگر از مفاخر آنها آنکه در روز جنگ عجم ملک آن
عامر اشعری اول کس بود که اسب خود را بدجله بغداد درانداخت
از دجله عبور کرد یکی از مفاخر آنها اینکه ملک این سائب ابن
عامر اشعری را وقتی از حکام آذربایجان از حجاج یوسف هزار

سوار مدد خواست بجهت دفع اعدای خود حجاج ملک ابن ثابت را
عوض هزار سوار یاوه داد و شر دشمنان حاکم را بتنهائی کفایت
کرد و آنچه از اخبار متواتر رسیده است هرگز آنها سنی نبوده اند
و اخبار بسیار در شرافت آنها رسیده حدیث لولا القمیون لضاع
الدین در حق ایشان است و حدیث امام حسن عسکری که فرمودند
خداوند بلا را از قم رفع میکند بوجود ذکریا ابن آدم چنانچه
بلا را از بغداد دور میکند بواسطه مرقد مطهر موسی ابن جعفر و از
مفاخر آنها همین بس است که روات اخبار و مفسرین شیعه از ایشان
بودند مثل علی ابن بابویه و علی ابن ابراهیم و ذکریا ابن آدم

و احمد

و احمد ابن اسحق وکیل امام حسن عسکری و سایر علمای اعلام
که ذکر آنها موجب تطویلست یکی از مفاخر آنها اینکه دعبل خزاعی
در قصیده که مدح جناب امام ثامن نموده بود حضرت جبه با و عطا
فرمودند وقت ورود او بقم اهالی قم خواستند جبه را از او
بخرند بجهت یمن و تبرک تا هزار تومان دادند دعبل قبول نکرد وقتی که
از شهر قم بیرون رفت جوانان اشعری رفتند و بزور
از او گرفتند و او مراجعت بقم کرده هزار تومان با و دادند
و هر کس رقعه از آن جبه برداشت و قطعه هم بخود دعبل دادند تا آنکه
بر چشم زوجه خود که نابینا بود نهاده شفا یافت و در زمان

آنهاکه زمان ائمه اطهار و خلفای جور بوده همه ساله ده مالیات میداده‌اند

یکی بعمال خلفای جور و یکی را برای امام عصر میفرستاده‌اند و در زمان

غیبت صغرای جناب صاحب الامر بوکلای حضرت میدادند

از مفاخر آنها اینکه سادات علوی در هر جا که کار بر آنها تنگ شده

رو بولایت آنها نهاده بکمال حمایت را از آنها میکردند تا اینکه به

سیصد و چهل و چهار امامزاده در قم مدفون شده از برای هر یک

قبه و بارگاهی ساخته‌اند و اکثر املاک خود را وقف امام عصر خود

نموده‌اند اما مثالب آنها که در حقیقت مفاخر آنها است این است

که حتی الامکان در دادن مالیات ابا و امتناع داشته‌اند و اطاعت حکام

خود را

خود را نمیکردند اصرار در ندادن مالیات ساعی بوده‌اند که

اطفال خود را بمعلم میداده‌اند یکی از تعلیم معلم این بوده است

که اطفال را بشکنجه میانداخته و در زیر چوب طفل فریاد میکرده است

که حاصل را سن خورده و زنگ زده و پنبه را ملخ خورده و باغات

از بی‌آبی خشک شده و مشق ندادن مالیات را میکرده‌اند در کتاب

تاریخ قم نوشته‌اند که یکی از اعراب را آوردند که مالیات

بگیرند ابا و امتناع نمود که ندارم هرچه او را شکنجه نمودند نداد

تا آنکه او را حلق آویز کردند سر ازیر شده صره از بغل او افتاد که از

مالیات او زیادتر بود برداشتند و علاوه را باو دادند افسوس میخورد

که چرا صرّه از بغل او افتاد دیگر حکایت کرده‌اند که یکی از اعراب

مالیات خود را نمیداد دیگران را هم ترغیب بندادن میکرد

عامل قم تدبیری کرده در خلوت خواسته بقدر مالیات او داد

که فردا در حضور جماعت مالیات خود را بدهد تا اسباب رغبت

سایرین شود روز دیگر که او را آوردند همچنان بعادت معهود

اصرار در ندادن داشت حاکم تعجب کرده او را در خلوت طلبیده گفت

که خلاف عهد کردی چرا از من آنچه را گرفته نمیدهی عذر آورد که عطای

شما را دیروز بمصرف واجبی داشتم خرج کردم والحال چیزی

در دست ندارم هرچه او را اشکنجه و آزار کردند نداد یکی از اعراب

دیگر



وکیل دیگری بود و با حاکم الفت و موانستی داشت در وقت

خواب پیشه حاکم را بدست گرفته فشار داد تا قبض مالیات موکل

خود را از کف رها نکرد باب ششم در قرارداد و بناهای اعراب

اشعری در ایام عجم که قم چهل حصاران بوده قرار بوده است که

زراعت قم از فاضل آب شیره و رودبار بوده در وقت بهار

و زمستان که آب وفور داشته آب رودخانه بزراعت

آنها میرسیده و در وقت تابستان و بی آبی کلی اهل شیره و انار

بار آب را قطع نموده حاصل عجمان خشک میشده باین جهت زراعت آنها

از صیفی کافته بوده و از شتوی جو و باغات آنها انجیر و فستق

انگاه که اعراب بر قم مستولی شدند کسی نزد اهل تمیره
فرستاده که با زمستان و بهار آب خود را ضبط کنید که
خرابی باملاک قم نکند با آنکه در تابستان هم بگذارید بیاید درین
رسایل کار بمشاجره کشید اهل تمیره دیدند با آنها قوه مجادله
ندارند قرار دادند در تابستان ماهی ده روز
آب خود را با آنها بدهند چندی که این قرار
شد اعراب راضی نشدند کار ایشان بقتال
کشید در سه فرسخی قم که قریه طایقان است
ملاقی فریقین شده قتال شدیدی کردند و از طرفین

بسیاری

بسیار کشته شدند که الان قبور آنها موجود است که در سر
قبرها سنگ ریخته و مزار شهدا مشهور است آخر الامر
اعراب فایق آمده شکست فاحش باهل تمیره وارد آمد پس قرار این
دادند که اسبی از دروازه قم وقت طلوع افتاب سوار شده برود
تا غروب افتاب بهر جا که رسید آب رودخانه سهم قم باشد
و بالای آنجا سهم تمیره و انار بار سواری از اعراب اول طلوع سوار شده
تا غروب سی و دو فرسخ راه رفت و جمیع قراء و مزارع را خراب
کرده آب انهار را بقم آوردند بانیواسطه شهر آباد و آن شد و دور
شهر دو قطار باغ مشجر نمودند که از هر طرف نسیم بوزد از سایه

درختان عبور کند که سمیت هوا برطرف شود دو قطار باغ
یکی خارج باره شهر بوده و یکی داخل باره شهر بوده است که الآن
هم که وقت نگارش این کتاب است آن باغها باسم و رسم
موجود هستند بعضی دایر و بعضی بایر افتاده که محل زراعت است
لیکن باسم باغ مشهورا و آن باغات که داخل باره شهر بوده‌اند بعضی محل
بیوتات شده و بیشتر آنها الآن هم باغست و آن باغات که داخل شهر الآن
موجودند بقدر یکحصه جزو از بذر افشان که هزار جریب مساحت باشد
میشود اسامی آنها از اینقرار است باغچه نو وحشی سرکار فیض آثار باغ دلگشا
باغ کوچه حوریان باغ معصوم آباد باغ قاضی باغ علویه

باغ قلعه

باغ قلعه قاضی باغ قلعه میرزا خان باغ سورچی غیاث آباد
باغ سلطانم باغ دولتخانه خالصه اراضی شمسکان
فخرآباد باغ کاوچاه باغ پنبه که جزو شهر شده باغچه جاک
باغ بابلان باب در ذکر عدد نفوس اشراف و اعیان
و علما و سادات قم اگرچه مطابق حکم جهان مطاع باید جزء جزء
و فرد فرد تعداد نفوس نوشته شود انشاء الله در آخر این
کتاب نوشته خواهد شد لیکن خواص را داخل عوام نوشتن از طریقه
ادب دور است بعضی از خواص نوشته میشود در سنه یکهزار و
دویست و هشتاد و چهار هجری که بحسب امر قدر قدر شاهنشاهی روحنا فداه

این چاکر جان نثار تعداد نفوس را فرد افرد نوشتم از روی دقت
بغیر غربا و مترددین عدد نفوس اهل شهر بیست و پنجهزار و سیصد و
هشتاد و دو نفر بود بعد از آن تعداد که آن بلیه عام قحطی و گرانی اتفاق
افتاد در دو ساله بلکه سه ساله هشتاد و هفت تا یکهزار و دویست و
هشتاد و نه که اغلب و اکثر مردم از جوع جان دادند و نان نیافتند
دوباره حکم بتعداد نفوس شد در سنه یکهزار و دویست و نود و یک
عدد نفوس اهل شهر چهارده هزار نفر بود و اهل بلوکات یازده هزار
نفر از آنجمله عدد بیوتات قم چهار هزار خانه میشد بعد از گرانی بقدر هزار
خانه بیصاحب مانده بود که تمام اهل آن مرده بودند لله الحمد از عدل

و انصاف

و انصاف ذات اقدس شهریاری روحنا فداه و سعی و کوشش
امنای دولت قاهره حال رو بآبادی کرده بعدد دو سه هزار
نفر تناسل و توالد نموده اند و مردم هم کمتر مرده اند اما اشراف حالیه قم
از علمای اعلام نافذ الحکم جناب شریعتمآب مجتهد الزمان حاجی ملا
محمد صادق سلمه الله میباشد که مستجمع جمیع صفات است خصوصا
در منبر و موعظه سبقت از همگنان برده است مجلس وعظ ایشان
بر سایر علماء امتیاز دارد دیگر جناب مستطاب قدوة الانام
آقای حاجی سید جواد سلمه الله است که در مرافعه سرآمد اهل روزگار
خود است اگرچه در دادن دست احکام تاملی دارد اما بعد از دادن

هرگز ناسخ و منسوخی از ایشان ملاحظه نشده است تمام
احکام ایشان مثل محکم آیاتست دیگر جناب فضایل مآب
آقا حسین و سایر علمای دیگر که هریک در جای خود فرید دهر
و وحید عصر هستند مثل جناب مستطاب شیخ محمد حسن که در
علم معقول و منقول سرآمد و ید طولانی دارد و جناب ملا محمد جواد
که نشانه زهد سلمان و صدق اباذر است و جناب میرزا حسین
که با عقاید اهل فضل و ادب از همه علما سلیقه سلیم تر دارد
و جناب آقا سید عبدالله و آخوند ملا علی و جناب شیخ
مهدی و جناب میرزا اسحق مدرس با نفس سلیم و فیض عمیم است

و از علمای



و از علمای صاحب منصب دیوانی جناب حاجی آقا جلال
امام جمعه میباشد با طبع جواد و جودت ذهن و جناب
فضایل مآب میرزا ابوالقاسم شیخ الاسلام که نواده مرحمت
و غفران مآب میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین است
سرآمد اهل شهر در دولت و ثروت و شوکت و عظمت و ضیاع
و عقار و باغات و قنوات و طواحین و مستغلات از همه اهل
شهر ممتاز بلکه در صفحه ایران یکتاست و جناب مستطاب حاجی میرزا
سید حسین متولی باشی سرکار فیض آثار فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهما
و علی آبائهما الف التحیة و سلام است و برادر کهتر ایشان

اقای میرزا محمد تقی که خدایان واشراف ولایت دو طایفه
میباشند یکی طایفه پیکدلی که اصل آنها از اتراک توران
زمین بوده از احفاد پیکدیخان که از اولاد یافث ابن نوح
بوده در اردوی امیر تیمور گورکان آمده اند جمعی از آنها
در قم سکنا گرفته اند در اردبیل و مرتقان و خوار و ورامین هم
بعضی از آنها هستند لیکن روزگار آنها مثل ایشان که
در قم هستند نیست خلاصه نقاده آنها مقرب الخاقان
حاجی رشید خان ولد شیر نواده آذر صاحب آتشکده
میباشند بعد از آن عالیجاهان نصر الله خان و مهدیقلیخان و حاجی

محمود خان

محمود خان و اسد الله خان و حسنخان و سایر بنی اعمام و اخوان
ایشان مردمانی ادیب پیشه در منادمت و علم ادب سرآمد
اهل شهر اند و اغلب و اکثر مزارع و باغات قم ملک ایشان است
معاش آنها از زراعت و فلاحت است و طایفه دیگر
قبیله مشهور بحاجی حسینی که باسم اجداد خود شان مشهور شده اند
اجداد ایشان از سلاطین صفویه از گرجستان آورده اند
در قم منزل داده اند بیشتر املاک قم از قنوات و مزارع
و مستقلات ملک ایشان است نقاده و رئیس سلسله آنها
عالیجاه حاجی محمد رضا بیک است که در حقیقت نفس صلاح

وکدخدا منشی است هرگز پیرامون فتنه و ضرر رعیت نگردیده برادران و بنی اعمام ایشان از قبیل غلامحسین خان و حاجی ابو القاسم بیک و محمد علی بیک و عزیزالله بیک و سایرین مردمی رعیت پیشه و درست کارند تجار این بلد مردمان امینی هستند لیکن در دولت و مایه تجار سایر بلاد نیستند طایفه از همه بیشتر خدام والامقام آستانه مبارکه حضرت فاطمه هستند که صاحب جمعیت آنها بقدر سیصد و هشتاد نفر میشود و رؤسای ایشان عالیجاه حاجی میرزا محمد حسین مستوفی سرکار فیض آثار است و جناب میرزا سید حسین صدر الحفاظ و عالیجناب میرزا محمد صادق صاحب نسق

دیوانی میرزا

میرزا زین العابدین مشرف سرکار فیض آثار میباشد عمال مباشر ولایت قم سررشته داری و وزارت قم با عالیجاه میرزا طاهر تفرشی است و مباشری اضافه بازار با استاد حسن و ایل بیکی گری ایلات با حاجی سید رضا است **اماکن مشرفه و عمارات عالی درجات که اول بقلم آمدند** بهترین بقاع قم روضه متبرکه فاطمه بنت موسی ابن جعفر سلام الله علیه است از قرار تقریر و تحریر صاحبان تاریخ قم چون جناب امام ثامن را بخواهش مامون ملعون از مدینه طیبه بمرو بردند در سنه مائتین بحجة ولایت عهد مامون همشیره صلبی و بطنی آنجناب در سال

دیگر در سنه احدی و مائتین عزم ملاقات برادر والاگهر کرده
چون بساوه رسیدند مریضه گردیدند جویا شدند که از اینجا
تا قم چه قدر راهست گفتند ده فرسخ است خادم خود را فرمود
تا او را بقم برساند خادم او را بقم وارد نمود در سرای
موسی ابن خزرج ابن سعد اشعری فرود آورد خبر صحیح آنست
که چون خبر ورود بنت موسی بن جعفر که در ساوه وارد شده اند
بآل سعد رسید همه اتفاق کردند که شرفیاب خدمت شوند
و از ایشان خواهش ورود قم را نمایند از میانه ایشان
موسی ابن خزرج تنها در آنشب بیرون آمد چون شرف

ملازمت فاطمه رسید زمام ناقه او را بگرفت و بجانب
شهر قم کشیده بسرای خود فرود آورد مدت هفده روز
که زمان ناخوشی ایشان بود در خانه او بودند و وفات نمودند
بعد از تغسیل و تکفین و نماز موسی ابن خزرج در زمینی بباغ بابلان
مشهور که امروز روضه مقدسه اوست دفن نمودند و بر سر تربت
او از بوریا سایه ساخته بودند تا آنکه زینب دختر محمد ابن علی الرضا
علیهم السلام بر سر تربت او قبه بنا کرد روایت شده است
که بعد از وفات حضرت سردابی در باغ بابلان بجهة
دفن ایشان ترتیب داده بودند میان آل سعد اشعری

اختلاف افتاد که آیا کدام یک از آنها در سرداب روند
و آنحضرت را بخاک بسپارند هر کسی طالب این مفاخرت
بود تا اینکه اتفاق کردند قادر نامی خادم که در نهایت پیری
بود متولی اینکار شود عقب قادر فرستادند در این انتظار بودند
که دو سوار از جانب رمله پیدا شدند دهان خود را بسته روی
بر دم نهادند چون بنزدیک جنازه فاطمه رسیدند از اسب
فرود آمده بر جنازه نماز کرده و در سرداب نهاده سوار شده
رفتند احدی را یارای تکلم با ایشان نشد و از هیبت آنها سؤال
نکردند که چه کسانند خانه موسی ابن خزرج که جناب فاطمه در آنجا

نزول فرمودند در محله میدان میر است که در آنجا نماز کرده
الآن بقعه و خادمی دارد و مردم بزیارت آن مکان میروند
بعد از وفات فاطمه ام محمد دختر موسی رضائیه وفات کرد
او را در پهلوی فاطمه دفن کردند پس از او میمونه ابنه الرضائیه
فوت شد در آنجا دفن کردند و قبه بر سر آنها نهادند متصل بقعه
فاطمه در این دو قبه شش قبر است اول مرقد مطهر فاطمه دوم
ام محمد بنت موسی خواهر محمد ابن موسی سیم ام اسحق جاریه
محمد ابن عیسی چهارم ام حبیب جاریه ابی علی محمد ابن احمد ابن رضا
و این کنیزک مادر ام کلثوم دختر محمد بوده است پنجم ام القاسم دختر

علی کوچک ششم دختر موسی خواهر محمد ابن موسی چون در اول
بقعه که زینب ساخته بود در سر قبر فاطمه سلام الله علیها در
او طرف رودخانه بود دریچه کوچکی بود در سنه خمس و ثلاثمائه
ابوالحسین زید ابن احمد ابن الحسن اصفهانی عامل قم بوده همان در را
وسیع و بلند نموده و بقعه که الآن موجود است دختر امیر
تیمور گورکان شیخ است و ایوان سفره انداز و ایوان طرف
صحن زنانه از بناهای مرحمت و غفران مآب جنت مکانان
سلاطین صفویه است و گنبد مطهر هم در زمان سلاطین صفویه
کاشی کاری بوده لیکن صحن منور در آن ایام کوچکتر بود

تا اوایل دولت خاقان مغفور فتحعلی شاه قاجار که از صدق
نیت و پاکی طینت همت ملوکانه گماشته گنبد منور مطهر را طلای
احمر نمود و صحن را هم وسیع نموده حجرات بر دورش بنا نهادند
و آب انباری در طرف غربی صحن ساختند و مدرسه در پایین صحن
که یکباب صحن بآنجا گشوده میشود بنا نهادند و در وسط مدرسه
باغچه و سه حوض آب نما ساخته شد و چهار ایوان عالی در وسط
چهار حد مدرسه بنیان که زینت آنها قصیده مرحوم صبا در مدح
خاقان خلد آشیان است و بالاخانه موسوم بشاه نشین بنا
نهاده اند که از طرف ارسی دارد از طرفی منظر بالاخانه رودخانه

قم است و باغات و مزارع طرف دروازه معصومه و از
طرفی دیگر مدرسه فیضیه و بیوتات شهر است و در پائین مدرسه
فیضیه دار الشفائی بوسعت مدرسه ساخته شده آنچه بیقین پیوسته
هزار اشرفی زر سرخ خرج این بناها رفته بعد از آن ایوان
سفره انداز را که محل عبور زوار است اعلیحضرت اقدس شهریاری
ناصر الدین شاه روح العالمین فداه طلا نمودند در طرف
یمین قبه مبارکه مسجدیست مشهور بمسجد بالاسر در جنب مسجد دو
بقعه طناپیست که محل قبور اشراف مسلمین است و در بالای طناپی
سلاطین صفویه است جزاهم الله عن الاسلام افضل الجزاء از قبیل

شاه صفی و شاه اسمعیل ثانی و شاه سلیمان و قبه مطهره را دو
ایوان و دو صحن ساخته اند صحن و ایوان شرقی محل عبور زیارت
مردانست و ایوان طرف قبله صحن زنانه است که زنها
از انطرف بزیارت میروند و باغ بابلان که تخمیناً یکصد و پنجاه
جریب است قبور مسلمین است اگرچه اول مربع بوده است
الآن بواسطه تغلب آنها که حد خانه آنها بباغ مزبور است اطراف
باغ گرفته خانه و دکاکین ساخته اند حال باغ مزبور بهیچ شکلی از اشکال
مساحت شباهت ندارد و در دار الشفاء آب انباریست که از
بناهای شاه عباس ثانیست و در بیرون صحن آب انباریست

که نواب فرهاد میرزا ساخته اند و در بالای قبرستان آب
انباریست که خان بابا خان سردار ساخته است که میتوان
گفت در صفحه عراق نظیر این آب انبار دیده نشده دیگر آنکه بعد از
آنکه خاقان مغفور برحمت ایزدی پیوسته اند و مضجع او را صحن
مقدس قرار داده اند بزرگان ایران اموات خود را در صحن مقدس
مدفون میسازند و هر یک بقعه در آنجا ساخته قاریان و قهوه و قلیان
گذارده اند از آنجمله برتر و بهتر از همه بقاع مضجع خاقان جلد آشیان
فتحعلی شاه قاجار طاب ثراه و همچنین مضجع پادشاه غازی محمد شاه
قاجار و مرقد مهد علیا در جنب آنجا است نور الله مضجعهما دیگر

بقعه

بقعه مرحمت و غفران مآب میرزا حسن مستوفی الممالک
و صبیه جناب جلالتمآب آقای مستوفی الممالک و سایر منسوبان
و بقعه دیگر از مرحوم عین الملک و بقعه دیگر از مرحوم قهرمان
میرزاست و بقعه دیگر از مرحوم قوام الدوله است و بقعه دیگر
از مرحومه زوجه همین میرزاست و بقعه دیگر از مرحوم نجفقلی خان
و میرزا حسین بلورفرشی و بقعه دیگر از میرزا شفیع صاحبدیوان
و بقعه دیگر از منوچهر خان معتمد الدوله و مرحوم فرخ خان
امین الدوله است و بقعه دیگر از شجاع الملک است
زائرین که وارد صحن میشوند بعد از زیارت وارد بهر بقعه

که نشوند در نهایت احترام قهوه و قلیان میدهند موقوفات
سرکار فیض آثار بسیار است ذکر هر یک در جای خود خواهد شد
دیگر از بقاع متبرکه حضرت حمزه ابن موسی ابن جعفر سلام الله
علیه است که در وسط شهر واقعست و آن محله را باسم آنحضرت
محله شاه حمزه مینامند بعد از روضه حضرت فاطمه محترمترین
زیارات قم این امامزاده عالیقدر والاتبار است و هرگز
شنیده نشده که در هر امری احدی متوسل بآنجناب شده
باشد و ناامید گردد در این صفت نزدیک بابو الفضل
العباس است طرفه اینکه در قم و نواحی آن هر کس را

بکسی ادعائی باشد و از اثبات عاجز باشد مدعی الیه را با دادن
یکی از حکام شرع آنجا برده قسم میدهد و چنان اتفاق افتاده
که اغلب آنها که بآنحضرت قسم دروغ خورده اند بدون
مهلت و فرصه هلاک شده اند یا اگر هلاک نشده چنان بنکبت
و خذلان بادروئی که مرگ را بر حیات ترجیح داده است از
معجزات ظاهره باهره او آنکه پهلوان یوسف نامی از ایلات
قم کور شد پس از آنکه از مداوا ثمری ندید قریب یکماه در آن بقعه
معتکف شد پس از آن حضرت را در خواب دید که فرمود چشم
ترا شفا دادیم چون از خواب بیدار شد ملاحظه نمود دید که

شمعهائیکه در اطراف مرقد مطهر است تماماً را می چند برخواسته سر
شمعها را گرفته تا صبح بخدمات آنحضرت مشغول شده بود
و بعد از آن هم قریب پنج شش سال زندگانی نمود و شغل او هم نوکری
بود و الان پنج سال است که فوت شده از این قبیل معجزات
از آنحضرت بسیار مشاهده شده که ذکر آن موجب طول ملالت
نذورات اهل قم و حوالی باسم آن بزرگوار است و در نهایت
اثر و اجابت است و در جنب بقعه شاه حمزه بقعه محمد ابن موسی است
که او هم محل زیارت است اما قسم خوردن در آنجا نیست و چند
قدمی این بقعه مرقد شاه طهیر است که از احفاد امام موسی است

مخ



مخفی نماناد که مطابق اخبار و اقوال در قم و حوالی چهار صد و
چهل و چهار امامزاده مدفونست لیکن قبه هر یک از آنها
باین عدد موجود نیست بلکه در هر بقعه چند تن از آنها مدفونند
اکثری در بقعه بابلان که مرقد مطهره فاطمه است و همچنین بسیاری در بقعه
ابو جعفر موسی مبرقع که بچهل دختران مشهور است حکایت بقعه چهل دختران
این است که از فرزندان علی ابن موسی الرضا ابن محمد ابن علی ابن
موسی الرضا است که برادر حضرت امام علی النقی باشد در سنه
ست و خمسین و مائتین از کوفه بقم آمد مشهور بمبرقع در وقت
ورود بقم مشایخ اعراب اشعریها و پیغام دادند که از دولت ما

بیرون رو که ما جوار تو را مکروه میداریم این بنده سبب اکراه

ایشان را این دانستم که متوکل علیه اللعنه والعذاب که از خلفای

بنی عباسی بود حضرت امام علی النقی را خواهش نمود که در مجلس لهو

و لعب حاضر شود آنحضرت ابا و امتناع فرمود مقصود متوکل آن

بود که قدر آنجناب در انظار مردم کم شود بعد از یأس از آنجناب

وزیر متوکل که موسی مبرقع که برادر حضرت امام علی النقی است

و از لهو و لعب مضایقه ندارد او را بیاورید هر گاه مردم او را ببینند چنان

خیال کنند که حضرت امام هم از این قبیلست او را طلبیدند

و اظهار مطلب نمودند موسی مبرقع بتوقع تقرب خلیفه عباسی

شادمانی

شادمانی نمود هر چند حضرت امام علی النقی او را منع

فرمودند فایده نکرد از تأثیر نفس امام این تقرب از برای

موسی مبرقع حاصل نشد تا یکسال همه روزه بجهة ملاقات خلیفه

بدر خانه خلیفه رفت و گفتند خلیفه مشغول کاریست از آنجا

مأیوس شده بقم آمد اعراب اشعری که از دوستان

خواص ائمه اطهار بودند حالت و جوار او را مکروه شمردند

او از قم بکاشان رفت و از آنجا احمد ابن عزیز بن دلف عجلی

او را اکرام کرد و تجمل ها بخشید قرار سالی هزار اشرفی و اسب

مسرج بدو داد بعد ابو الصدیم حسین ابن علی ابن آدم اشعری و سایر

رؤسای عرب مطلع شدند و سایر اعراب را توبیخ و سرزنش
نمودند و موسی ابن محمد را بقم آوردند و اعزاز و اکرام کردند
و بجهة او خانه خریدند و چند قریه از قراء خود باو دادند
بجهة معاش او و بیست هزار درهم نقد از برای او قسمت کردند
در قم وطن ساخت و از عقب او زینب و ام محمد و میمونه
دختران امام محمد تقی بطلب او از کوفه بقم آمدند و در عقب ایشان
بریهه دختر موسی آمد در قم بودند تا آنکه موسی ابن محمد در سنه ۲۹۶
وفات نمود و او را در خانه خودش که الآن بموسویان مشهور است
دفن نموده بعد از آن اکثر سادات را در آن خانه دفن نمودند

اولاد

اولاد و اعقاب او الآن که سنه یکهزار و دویست و نود و
پنجست در شهر قم بسیارند دیگر از سادات قم که از کوفه
بقم آمدند ابوالحسن حسین ابن جعفر ابن محمد ابن اسمعیل ابن امام جعفر صادق است
چون ابوالحسن بشهر قم آمد خداوند باو پسری عنایت فرمود علی نام
نهاد و از مشایخ قم روایت است که ابوالحسن شراب خوار بود
در آن ایام وکیل امام حسن عسکری احمد ابن اسحق اشعری بود روزی
ابوالحسن بدیدن احمد ابن اسحق رفت احمد او را بار نداد و التفات
نکرد ابوالحسن محزون و مهموم برگردید در آن سال احمد قصد خانه کعبه کرد
در سامره رفت خدمت امام علیه السلام مشرف شود و زیارت کند

کند حضرت امام او را راه نداد و پرسش نکرد و اجازت دخول
نیافت و از زیارت خود منع احمد متحیر شد و درماند و نمیدانست
که سبب بی التفاتی از چه راه است احمد بسیار سر بر آستانه
حضرت نهاد و زاری و تضرع نمود که بچه سبب رانده درگاه شده ام
تا حضرت او را طلبید و گفت یاد داری که فرزند زاده ما ابو الحسن
در شهر قم بدر خانه تو آمد او را راه ندادی احمد عرض کرد که بحق
خداوند که او را منع نکردم مگر بواسطه عمل قبیح او تا اینکه ترک خمر کند
و احمد بسیار بگریست امام فرمود ای احمد راست گفتی ولی باید حق
سادات علوی را بشناسی و ایشان را در هر حال حرمت داری

و بنظر

نظر نکنی که گناه کار شوی چون احمد بقم مراجعت کرد مردم بدیدن
او رفتند ابو الحسن هم بدیدن او رفت احمد او را استقبال
کرد و اعزاز و اکرام نمود ابو الحسن این عمل را از احمد بن اسحق غریب و بدیع
دید از سبب زحمت و رحمت پرسید احمد وقایع خود و امام را
نقل نمود ابو الحسن آه و زاری نمود و خود فوراً برخاسته بخانه آمد
و آنچه اسباب شراب و لهو و لعب بود تمام درهم شکست و توبه
کرد مردی زاهد و عابدی شد و در مسجد اعتکاف ورزید تا آنکه
او را وفات رسید او را بمقبره بابلان دفن کردند الآن قبر او معلوم
نیست دیگر از اماکن مشرفه قبه علی بن جعفر و محمد بن موسی است که

در خارج شهر بیرون دروازه کاشان مدفونند مقبره ایشان
محل خواستن حاجات و زیارتگاه انام است بقعه او را یکی از
وزرای سلاطین صفویه که اسم او است بنا نهاده لیکن مرقد مطهر
آنها کاشی کاریست که از کاشی خطوط بیرون آورده اند و بعضی از
از سورهای قرآن را نوشته اند و کاشی آنها بخصوص از خشتهای
مرقد کاشی زر اندود است که گل او را با سوده طلای احمر خمیر کرده اند
از قرار تقریر صاحبان خبرت این کاشیها از مذهب بیشتر قیمة
دارد در این بقعه دریست که مشهور بدر بهشت است که بدیوار
آن بقعه در طرف قبله ساخته اند بصورت در بسته کاشی کاری است

نه از

نه از چوب بوده باشد از همان کاشی مرقد که خیلی نقل دارد صد مرتبه
از چینی پاکیزه‌تر و باصفاتر گویا احادیث که در فضیلت قم وارد است
که هشت در بهشت است دو در آن از قم مفتوح میشود این در را با آن
نشانه ساخته اند از غرایب آنجا اینکه اهل فرنگ از انگلیسیان که این کاشی
کاری را دیده از این بقعه و بقعه احمد ابن قاسم یکنوع کاشی دارد خشتی سه
تومان بمتولیان این دو بقعه داده بودند که چند دانه خشت از آنها
بگیرند و آنها راضی نشده بودند عاقبت چند نفر از اشرار را بخود
کرده بودند در شب چهار دانه از مرقد احمد ابن قاسم را بطریق
سرقت برده بآنها داده بودند گویا در فرنگ این نوع کاشی یافت

نشود بالجمله قبرستان نصف اهل قم در اطراف بقعه علی بن
جعفر است و قریب یکصد جریب اراضی قبرستان آنجا است
دیگر از بقاع متبرکه بقعه احمد ابن قاسم ابن احمد ابن علی ابن جعفر است
و چنین رسیده که آبله چشم او را نابینا کرده بوده است و چون
او را وفات رسیده او را بمقبره مشهور بمالون دفن کرده اند
و تربت او را زیارت میکرده اند و بر سر تربت او سایبانی بوده است
چون اصحاب خاقان مغلی در سنه ۲۹۵ بقم رسیدند این را
متروک کرده مدتی زیارت او نمیکردند تا آنکه بعضی از صلحای
قم بخواب دیدند که صاحب این تربت مردی فاضلست و ذریت

او ثواب

او ثواب بسیار است پس دیگر باره قبر او را مجددا از چوب ساختند
و مردم زیارت کردند هر کس را مرضی و آفتی بوده بسر مرقد مطهرش رفته
طلب شفا میکرده مستجاب میشده و بسیاری از اهل قم هم در اطراف
این بقعه قبرستان دارند الآن بارگاه او از آجر است و مرقدش
از کاشی زرین که ذکر شده صحنی دارد که این صحن را جد چهارم بنده درگاه
حاجی فرامرز بیک ساخته و بقعه از برای خود ساخته که در آنجا مدفون است
آنچه را از کتاب تاریخ قم مفهوم میشود این است که این بقعهای
شریف که در قم است چند نفرند که اولاد بلافاصله امامند مثل حضرت فاطمه
بنت موسی ابن جعفر و علی ابن جعفر و حمزه ابن موسی و موسی مبرقع و سایر امامزادگان

از احفاد و نبیره امامسند چون خیلی با امام قریب بوده اند بقعه در سر قبر آنها
بنا نهاده اند و خود آنها اهل کرامت بوده اند علاوه بر سیادت
چنانچه تا حال هم از ارواح مطهره آنها معجزات ظاهره باهره بظهور
میرسد دیگر از بقاع متبرکه بقعه سلطان شریف است که از احفاد
سید سجاد است و بقعه و ایوان بزرگی دارد و دو نفر خادم مردم
آنقدر در آنجا نذورات میبرند که بطرز مختصر مخارج خادمان و روشنائی
بقعه میگذرد و این بقعه در وسط شهر در محله چهار مردان واقعست دیگر
از بقاع متبرکه بقعه امامزاده زید است در محله موسویا که پامن شهراست
دیگر از بقعه امامزاده ابراهیم است در خارج درب کاشان دیگر

از بقاع

از بقاع متبرکه دو بقعه بیرون دروازه ری است که شاهزاده احمد و شاه
سید علی و سه نفر امامزاده دیگر در این دو بقعه مدفونند قریب بشهر کهنه
قم که الان آن شهر بخرابهای دروازه ری مشهور است و این چند نفر امام
زاده از اولاد و احفاد حضرت سید سجاد است دیگر از بقاع متبرکه بقعه
خاک فرج است که بقعه مبارکه سلطان احمد است از احفاد سید سجاد محل
استجابت دعوات میباشد در جنب آن قبه کوچکی است
که میان قبه خالی است میگویند محل سنگی است که حضرت ابراهیم
بجهت حمل و نقل بنای کعبه برده و الان بکعبه کوچک مشهور است و در نزدیکی
این بقعه بقعه کوچکی است که دختر شعیب پیغمبر در آنجا مدفون است

دیگر از بقاع متبرکه بقعه دو امامزاده شاه طیب و طاهر است که
در طرف شرقی قم در یکفرسخی واقعست از اولاد حضرت زین العابدین
میباشند اهل شهر را بآنها وثوق بسیار است خاصه مرحمت مآب
میرزای قمی اعلی الله مقامه از غرایب حالات آنکه قدری املاک
در اطراف او وقف بر ایشان است وقتی قناتی در حوالی او بیرون
آوردند و طمع در املاک موقوفه بشد خدام آنجا اظهار وقفیت
کردند یکی از مالکین قنات گفته بود که شاه طیب و طاهر از مدینه ملک
همراه خود نیاورده بوده‌اند در همان اوقات قنات خراب شده بود
بعد از خرج بسیار که مفتوح شده بود چندان آب پایین رفته بود

که قریب

که قریب یکذرع از کف قنات کنند تا آب بدهند قنات آمد
و چنان شد که تمامی املاک موقوفه از آب گرفتن قنات مزبور
محفوظ ماند و آن قنات حال هم موجود است و در حوالی این بقعه بقعه دیگر است
مشهور ببقعه خدیجه خاتون در آنجا چند نفر امامزاده مدفون‌اند دیگر از
بقاع سه بقعه در مزرعه ابرستجان است که یکی شاه جمال و دیگری سید
معصوم و دیگری شاه زید که معلوم نیست بچند واسطه با امام
میرسند دو بقعه در مزرعه مزدیجان است یکی شاه جعفر و یکی شاه
ابراهیم و هر دو بسیار جلیل القدر میباشند دو بقعه نیز در مزرعه
جمکران است یکی مشهور بهادی و مهدی و یکی هم بقعه ساریه خاتون که در

در جنب آنها است و دیگر از بقاع بقعه ایست که در مزرعه براوستان

چون تازه پیدا شده بواسطه خوابیکه دیده شده و تعیین قبر او نموده اند

نسبت او معلوم نیست انقدر است که اسم او شاه جمال است

دیگر از بقاع چند بقعه است که در بلوکات قم از اولاد امام میباشند

یکی بقعه ایست که در قریه کهک واقعست که معصومه کهک

مشهور است از اولاد امام موسی است در چهار فرسخی قم است

بقعه در ورجان است از دهات قم مشهور بشاه ابراهیم بقعه

در سر قافنت که محل استجابت دعا است سالی یکدفعه

اکثر اهل قم بزیارت آنجا میروند و هر کس گوسفندی در آنجا

برند

میکشد در میان دره کوه است از آنجا تا رودخانه پرقان دو سه هزار

ذرع از بقاع است آن قبه مبارکه شاه اسمعیل است و محمد

ابن موسی میگویند او را شهید کرده اند بحکم خلفای جور وقتیکه او را

تعاقب کرده اند میان کوه گرفتار شده اناری از درخت گرفته

بکوه زده کوه شکافته و راه بیرون رفتن پیدا شده باز او را در میان

کوهی که حال مدفون است تعاقب کرده شهید نمودند و برروی نعش

سنگ چیده اند و نعش را از نظر دوستان پنهان نموده اند تا اینکه

بعضی از دوستان بطلب نعش مطهر رفته اند شتر سوار در پهلوی

نعش شتر زانو زده بعد سنگ را دو کرده جسد مطهر را پیدا نموده

دفن کرده‌اند اهل پرقان کم بهت اشاره کرده‌اند که امام‌زاده از این
طرف رفته تا حال هرچه پیراهن بکپرند یک آستین آنها کوتاه است
از غرایب آنجا اینکه هرچه زوار در آنجا میرفت باید آب خوردکی
از رودخانه پرقان ببرد بایین واسطه در کمال عسرت بوده‌اند تا آنکه
در این چند سال سیدی از اهل کاشان در خواب دید که در این
صحن چاهی بکن که آب خوردن زوار آستان شود آن سید بفرمایش
امام‌زاده بنای کندن چاه در آن سنگ کوه گذاشت هرچه
داشت خرج نمود و آب پیدا نشد دوباره امام‌زاده را در خواب
دید که فرمود چاه را بکن آن سید وجهی فراهم آورده و چاه را کندن

گرفت

گرفت تا آنکه بقدر بیست ذرع پایین رفت چشمه از طرف
ضریح مطهر پیدا شد آنقدر آب میدهد که آن ازدحام مردم که اغلب
اوقات دو هزار نفر میشوند و صرف میکنند و حال آنکه بخلاف
سایر چاهها که در زمستان آب بانها میرود و در تابستان آب
از او میکشند این در زمستان هم آب باو نمیرود و هیچ وجه قصوری
هم در آب پیدا نمیشود عمارت و حجرات آنجا را مرحوم حسینعلی‌خان
قاجار بنیاد نهاده اند از نذورات آنقدر گوسفند در آنجا کشته میشود
که در هیچ مکان کشته نمیشود دیگر از اماکن مشرفه بقعه سلطان علی ابن
امام محمد باقر است که در مشهد اردهال که تا قم نه فرسخ است مدفونند

آنحضرت را بحکم خلفای جور از اطراف لشکر جمع کرده اند و در
آنجا آنحضرت را شهید کرده اند قالی که جسد مطهر در روی او
بوده موجود است که هر سال در سیزدهم پائیز از اهالی اردهال و
کاشان که اجداد ایشان مرتکب غسل و دفن آنحضرت شده اند
در آنجا جمع میشوند و چند روز بازار خرید و فروش میشود و
ازدحام بسیار در روز موعد قالی شوران هر طایفه بوراثتی که دارند
قالی را گرفته در آب میکشند و هرگاه کسی وراثت نداشته باشد
دست بقالی بگذارد دشنه میشود و اکثر اوقات تقبل میکنند بعد از
شستن قالی سرداران لشکر را که قاتل امامزاده بوده اند با رسم

و رسم لعن مینمایند دیگر از غرایب آنجا اینکه اهل آنجا که باعث
قتل امامزاده شده اند میوه اشجار آنها سنگ شده است
الآن در النصر افیتسی و زردالو و بادام و فندق سنگ شده
یافت میشود که هیچ تفاوت با اصل آنها ندارد حتی بند میوه که از درخت
افتاده است معلوم است در شش سال قبل بحکم پادشاه جمجاه روح
العالمین فداه مخارجی از دیوان مقرر شد تعمیر صحن و بقعه آنجا را نمودند
دیگر از مشاهد مشرفه بقعه امامزاده هادی است در قریه وشنوه
که بسیار جلیل القدر است دیگر امامزاده شاه پور علی که در قریه
کرمجگان واقعست دیگر بقعه مطهره معصومه از اولاد امام موسی در قاسم

ابادمیباشد قدری از قنات زانون آباد متصرفی عالیجاه
سقوم وقف آن مخدره است در ذکر بارهٔ بلدهٔ قم و انهار
و باغات و مستغلات و مساجد و مدارس اول باره که در قم
کشیده شد و صورت شهر پیدا کرد یزدان فاذار بزرگ قلعهٔ ابرستجان
کشیده و کوه سمت غربی رودخانه را هم بهمین مناسبت اسم
یزدانفاذ از کوه یزدان میگویند و چنانچه از تاریخ قم مستفاد
میشود مردی بوده است بسیار صاحب ثروت و مکنت و با همت
و سخاوت و مطاع و متبع و باعث کشیدن باره بشهر قم او شده
و آن چنان است که در صفحهٔ قم چهل قلعه بوده است که الآن

اسامی

اسامی آن چهل قلعه باسم مزارع قم مشهور است چون لشکر
دیالمه بر آنها تاختن میکردند و مال و مواشی و اسیر میبردند
یزدان فاذار که در میان دهات مطاع و متبع بود اهل دهات
جمع کرده گفت تفرقهٔ ما در دهات اسباب تسلط دیالمه شده بهتر آنست
که باره بکشیم و شهری بنا کنیم که دست تعدی دیالمه از ما
کوتاه شود اهل قرا این رای او را مستحسن شمرده قبول نمودند یزدانفاذ
هزار نفر را از اهل قرا اختیار نموده بهر یک هزار درهم حواله
کرد و باروئی گرد شهر بکشید و شش قریه از چهل قریه داخل شهر
افتاد و تا بعد از مدتی که آن باره خراب و مندرس شده بود اعراب

اشعری چنانکه مذکور شد مسلط شده بودند این نوبت باروی
قم را عرب اشعری جدید کرده مستحکم نمودند چون بواسطه اطاعت
اعراب و اخلاص آنها با ائمه اطهار و اختلاف مذهب میانه
ایشان و خلفای عباسی همواره منازعه و مجادله بود و پیوسته خلفا در
پی ایذا و اذیت آنها بودند در سنه عشر و مأتین در خلافت
مأمون علی ابن هاشم از جانب خلیفه بقم آمد و آن بارو را خراب
کرد باروی سیم را حمزة الیسع ابن سعد اشعری بنا نهاده و انهار
و باغات بنا کرد و همین حمزه در ایام هارون الرشید از خلیفه استدعا
کرده قم را از اصفهان موضوع نموده ولایت علیحده کرد

ذراع

ذراع رشیدیه در قم در دادن مالیات و پیمودن اراضی
برقرار کرد ذراع رشیدی چنان بود که رشید ذراعی قرار
داد که حمزه در زیر بغل خود بگذارد تا سر انگشتان بکشد آن ذراع را
برای پیمودن اراضی ببرد حمزه در حضور رشید ذراع را در زیر بغل خود
نهاد و سر او را بر زمین استوار نمود القدر زور کرد که سر ذراع
در زیر بغل او فرو رفت و خون جاری شد بجهة آنکه ذراع دراز تر
شود رشید گفت چرا زحمت بخود دادی و زخم بخود زدی
گفت این مصلحت قوم من بود با آن ذراع پیمودند و مالیات بقم
بستند و بعد از آن تا دولت صفویه هشت دفعه مساحت و ممیزی در قم

شده است چون مضافات قم بسیار بود ذکر آنها موجب تطویل
میشود و اعراب اشعری در قم بیست و یک نهر جاری کردند
و بیست و یک نهر در اعلای رودخانه جاری نمودند و آبادی
زیاد کردند آنچه را با اسم و رسم نوشته اند پنجاه و یک طاحونه
در قم دایر بوده الان آن آن اسامی متروک و آن قنوات خراب
شده و مساجدی که بنا کرده اند با اسم اول باقی نمانده ذکر آنها
موجب تطویلست **ذکر مساجد و بناهای عالیه** از بناهای عالیه مسجد
جامع قم است که الان محل ادای جمعه و جماعت است آنچه از سیاحان
شنیده میشود در هیچ شهری مقصوره باین وسعت و ارتفاع نیست

در کمال استحکام دیوار آن را با ساروج کشیده اند که از سنگ
صلابه سخت تر است بانی آن ابو الصدیم حسین ابن علی ابن
آدم اشعریست ایوانی دارد بس رفیع در عهد خاقان خلد آشیان
آن ایوان را بنا نهاده اند در اطراف مقصوره شبستانها است
که باستحکام مقصوره نیست دیگران ساخته اند یکی از آن شبستانها
از بناهای مرحوم حسینخان شهاب الملک است یکی دیگر مسجد جناب امام
حسن عسکریست این مسجد مدرب معصومه واقعست احمد ابن اسحق اشعری
که وکیل موقوفات امام حسن بوده است بفرموده آنجناب بنا کرده
چون مداخل املاک موقوفه امام که اعراب اشعری وقف کرده بودند

سالی هزار درهم بوده است در مصرف آن جناب امام حسن
عسکری فرموده اند از زیادتی آن مداخل مسجدی بسازند لیکن بنای
مسجد احمد ابن اسحق یک صفه بیشتر نیست بعد از آن ایوانی وسیع
در آنجا ساخته اند و صفه مقابل صفه احمد ابن اسحق که قرینه او اتفاق
افتاده ساخته اند و مرحوم حاجی حسین که الآن احفاد او طایفه معتبرند
در اطراف مسجد مزبور شبستانهای معتبر ساخته پس از آن حاجی ابراهیم
تاجر قمی شبستانی بطریقه سرداب ساخته که درین چند سال که
ماه رمضان در زمستان بود و بسیار اسباب رفاه خلق بود دیگر
از مساجد معتبر قم مسجد عشقعلی است بنای آن از قدیم بوده و حمام محله

عشقعلی وقف آنجا است که بمصارف روشنائی و بوریای
آنجا بشود و تعمیر جدید آنرا حاجی حسین مزبور نموده است دیگر از مساجد
عالی مسجد جناب مستطاب حاجی ملا محمد صادق است در جنب
محکمه و خانه جناب ایشان است که صحن مسجد در اطراف حجرات
دارد که طلاب در آن مشغول تحصیل هستند بنای این مسجد را مرحوم میرزا
آقاخان صدر اعظم دولت ایران در زمان حکومت پسرش ذو
الفقار خان در قم نهاد در سنه ۱۲۷۰ دیگر مسجد میدان میر است که
موسی ابن خزرج در پهلوی خانه خود که محل نزول فاطمه بنت موسی
بوده ساخته است دیگر مسجد موسویان است که در پهلوی بقعه موسی مبرقع

ابن محمد که مشهور بموسی مبرقعست از بناهای الیسع اشعری است
وسایر مساجد محلات شهر بسیار است که ذکر آنها بطول می
انجامد **در دو بارهٔ قم و محلات شهر** الآن که سنهٔ ۱۲۹۵
هجریست دوره بارهٔ قم دو فرسخ و نیم شرعیست و این شهر
بچند محله قسمت میشود اول محلهٔ آستانهٔ مقدسه که محل مدفن
حضرت معصومه میباشد کوچه حرم وارک شاهزاده کیکاوس
میرزا وخیابان بالا وخیابان پایین وخانهٔ جناب متولی باشی
ازاین محله محسوب میشود دویم محله عشقعلی است که بهترین معمورهٔ
قم است سیم محله الوندیه مشهور است که میدان میرسراج

محراب

محراب حضرت فاطمه و مسجد حاجی ملا محمد صادق درین محله میباشد
چهارم محله چهارمردان که بزرگترین محلات قم است بقعه سلطان
شریف و مسجد سینی و شاه حمزه درین محله واقعست پنجم محله
سیدان که اشراف قم و سادات و طایفه بیکدلی
درین محله خانه دارند مدرسه قیاسیه که دو گلدسته از آن
برقرار است وباقی خراب است درین محله بوده است ششم محله
سنگ لبت است درکنار شهر تا لار که محل حکومت قم در قدیم
بوده با مسجد امام زین العابدین و خانهای سادات موسوی در این
محله میباشد هشتم محله میان شهر و موسویان است که مشهد موسی

مبرقع درانجا است دولتخانه ورضا آباد جزو این محله میباشد
هشتم محله مسجد جامع است که علمای این بلد اغلب درآنجا خانه
دارند بازار قدیم قم پهلوی مسجد جامع بوده و میدان شهر هم
دران حوالی بوده الآن بازار قدیم خراب شده و آبادی قم در دوره
حضرت معصومه افتاده است محله نهم باغ پنبه است که در قدیم
باغ بوده الآن خانه و محله شده است محله عربستان جزو این محله میباشد
دهم محله اسحقیه است که مرقد احمد ابن اسحق در برابر مسجد امام حسن عسکری
در این محله است **در مدارس قم و ذکر بناهای آنها** مدرسه اول
مدرسه فیضیه است در پایین صحن مقدس حضرت فاطمه در قدیم مدرسه

کوچکی

کوچکی بوده خاقان خلد آشیان فتحعلیشاه او را وسیع نموده صفت
او در ذکر بناهای بقعه مبارکه شد احتیاج بتکرار نیست مدرسه دویم مدرسه
مهدیقلی خان است اول مزار باغ بابلان محمدقلیخان نامی ساخته
بعد از انهدام در زمان سلطنت شاه مرحوم محمدشاه غازی در حکومت
میرزا نصرالله صدرالممالک اردبیلی میرزا عبدالباقی خان قزوینی که نایب
الحکومه قم بود تعمیر نموده بازارچه ساخت وقف خرج طلاب و تعمیر
مدرسه نموده است سیم مدرسه جناب حاجی ملا محمدصادق است
که صحن مدرسه و صحن مسجد یکی است از بناهای میرزا آقاخان صدر اعظم است
چهارم مدرسه جانی خان است که مقابل در مسجد جامع است که بعد از

اهتمام مقرب الخاقان حاجی میرزا نصرالله مستوفی گرگانی در آنجا
بنای جدید نهاده و موسوم بمدرسه ناصریه کرده باغ شاه خالصه را تیول
روشنائی و سایر مصارف لازمه طلاب آنجاست چهارم
مدرسه مؤمنیه محمد مؤمن خان شاملو در دولت صفویه ساخته مدرسه ممتازی
بوده الآن خرابست بعضی سالها در قدیم آنجا را انبار جنس دیوانی میکردند
پنجم مدرسه مشهور بمدرسه کهنه است از بناهای قدیم بانی او معلوم نیست
در این دولت جاوید آیت حاجی سید حسن صابونی آنجا را تعمیر کرد
اندک طلائی دارد **در ذکر خانات قم** اول خان آجری
واقع در حوض قهوه وقف سرکار فیض آثار است دویم خان میرزا ابوالقاسم

وقف سرکار فیض آثار است سیم خان میرزا رحیم در خیابان است چهارم
خان کیکاوس میرزا بالاسر در پهلوی مرقد احمد ابن اسحق است پنجم خان میرزا
اسمعیل پهلوی دروازه معصومه میباشد ششم خان جهانگیر میرزا امیرزاده خلف
نایب السلطنه عباس میرزای مرحوم بشراکت متولی باشی ساخته بیرون
شهر است هفتم خان جناب متولی باشی بیرون شهر است هشتم خان حاجی
ابراهیم تاجر در بیرون شهر است نهم تیمچه امین السلطان حاجی ابراهیم
ساخته امین السلطان خریده در پهلوی مسجد امام است دهم تیمچه آقا سید
آقا جان خدمه یازدهم خان آقاجان دوازدهم خان متولی باشی بشراکت
حاجی محمد عبدیخان ساخته سیزدهم خان تنباها در بازار است چهاردهم

تیمچه حاجی سید محمود دو شرکا سقف و عمارت عالی دارد سرپوشیده
شانزده فرع دهنه آنجاست پانزده هم سرای حاجی میرزا زین العابدین
در بازار بزازها است شانزدهم خان حاجی حسین در بازار است
هفدهم خان حاجی عسکر خان هجدهم خان حاجی کلبعلی بیک نوزدهم خان
بزازهاست بیستم خان کهنه در بازار است بیست و یکم خان میدان
کهنه میباشد **در ذکر حمامهای قم** حمام آستانه مقدسه دهی سرکار
فیض آثار حمام خیابان کیکاوس میرزا حمام شاهزاده در بازار
حمام امین الدوله حمام کوچه حرم حمام میرزا ابوالقاسم حمام آقا ملک
حمام عشقعلی حمام جناب متولی باشی حمام گذر مسگرها حمام فروزه

حمام پشت باره

حمام پشت باره حمام قاضی حمام حاجی بابا حمام سلطان
شریف حمام چاله حمام چهارمردان حمام گلشن
حمام پشت خان حمام شاه حمزه حمام بازار کهنه حمام کلانتر
حمام سفیداب حمام موسویان حمام اولیا حمام حاجی محمد جعفر
حمام حسن عسکری حمام دولتخانه حمام حاجی حسین حمام عربستان
حمام باغ پنبه حمام تالار قدیم شهر **در ذکر اضافات مالیات قم و مالیات
قدیم و جدید** در عهد دولت خاقان خلد آشیان فتحعلی شاه
قاجار انار الله مضجعه مرحمت پناه میرزا بابای مستوفی آشتیانی را که
مامور ممیزی و جمع بندی قم فرمودند آنچه را از قرار کتابچه

قدیم معلوم میشود از قرار سرخطها که در دست مردم است

مزروعی را از قرار خمس مالیات قرار که از رودخانه مشروب میشود

و باغات را از قرار عشر و در زمان ممیزی ایشان قاقی در قم

بغیر سراجه دایر نبوده جمع ممیزی انمرحوم من جمیع الجهات در بلده

و بلوک دوازده هزار و چهارده تومان و سه هزار نقد و چهار هزار

و پانصد و هشتاد و دو خروار جنس بوده بعد از ممیزی هر سالی

که حاکمی در این شهر آمده برای مخارج حکومتی چیزی از رعیت گرفته در آخر

سال که رعیت شکایت بدربار معدلت مدار برده که حاکم بر ما تعدی کرده

بجهة بدنامی حاکم قدری زیادتر از آنچه حاکم گرفته [illegible] نویسی

کردند

کردند امنای دولت قاهره عوض دادرسی آنها معامله حکومت را

جزو مالیات آنها کرده تا رفته رفته دوازده هزار تومان بیست و پنج هزار

تومان شد باسم فرع و حق الحکومه و پیشکش موقوفی سرباز و رسم الحساب

و رسوم پیشکار و پیشکش نایبها و همه آنها را که اضافه مالیات میشد

باسم مقرری و مستمری از برای کسان خود یا کسانیکه با آنها تعارفی

میدادند برقرار کردند و مردم هم در این دولت روز افزون

فراغتی داشتند و قناتهای مخروبه که در فتنه چنگیز خان و محمود خان

افغان خراب شده بود آبادان کردند و جمع جدید بر آنها وارد آوردند

از حیثیت قنوات آبادی حاصل شد از آنطرف در کنار رودخانه هم

مردم بنای انهار جدید و مزارع جدید النسق احداث کردند باین
واسطه مزروعی و باغات قم خراب شد زارعین قم بدربار معدلت مدار
از نبودن آب و انهار جدید شکایت کردند که فروعات مارا
از اصل زیادتر کرده و آب رودخانه را در بالای رودخانه بسته اند
اینفقره در عهد وزارت مرحوم میرزا تقی خان فراهانی بود حکمی صادر شد
که انهار کنار رودخانه از کمره تا قم ماهی ده روز آب رودخانه را خوص
قم دانسته شهر مشروب شود چندی که گذشت معلوم شد با وجود هوای
گرمسیر قم حاصل آنجا ماهی دو دفعه آب خوردن تاب نمی آورد
در عهد وزارت مرحوم میرزا آقا خان صدر اعظم ایران عارض شده

قرار براین

قرار براین دادند که تقسیم آب رودخانه از قرار شش و پنج
بشود که شش روز بقم باید و پنج روز انهار کنار رودخانه بگیرند باینواسطه
مزارع و باغات قم رو بآبادی گروه فواکه بهاره و تابستانی در باغات
قم زیاد شده مردم بفراغت گذران کرده مشغول دعاگوئی همایونی
بودند و از عهده مالیات هرچه افزوده بود برمی آمدند تا آنکه در سنه هزار و
دویست و هشتاد و هشت هجری تا سه سال آسمان بخیل شد و باران
نبارید اکثر چشمه سارها خشک شد و آب رودخانه سراب علت غلا بالا
گرفت گرانی در ممالک محروسه شایع شد مردم جان دادند و نان
نیافتند مادر اولاد خود را کشت و خورد در شهرها سگ و گربه نماند سوراخ

موران را شکافته‌اند و اندوخته آنها را معاش خود قرار داده‌اند موشها

از بیم از خانه بیرون نمی‌آمدند مردم شبها جرئت نداشتند از خانه بیرون

روند هر کس شبها در کوچه بدست آمده او را گرفته و قوت خود میساختند

تا آنکه این بنده در کاه خواهر زنی داشتم از خانه بیرون رفته بازگشت معلوم

شد او را خورده‌اند در یکی از برجهای باره قسم چند زن بلوکی منزل گرفته بودند

زنهای اهل شهر را فریفته که در این باغ گیاه خوراکی هست میبرند و کشته

میخوردند بعد چندی معلوم شد بسیار کس را کشته و خورده بودند و انسانی

دولت هم هر چه سعی کردند با قضای آسمانی بر نیامدند بعد از رسیدن

ایام فرج و سپری شدن سالهای قحطی اکثر قراء و مزارع خراب

و بصاحب

و بصاحب مانده دوباره باقی مانده رعیت بدربار بعد لتمه از خرابی

خود عارض شدند امنای دولت جاوید آیت بجهت تسکین آنها میرزی

فرستادند که مالیات را در میان آنها تعدیل کنند بشرط آنکه چیزی

از مالیات کاسته نشود در سنه یکهزار و دویست و نود و یک هجری

میرزا حبیب الله سررشته دار گرگانی مامور باین کار شد در تعدیل او

مردم بهم افتادند اهل بلوکات با میرزا موافقت کردند و اهل شهر مخالفت

از مالیات بلوکات بقدر چهار هزار تومان کسر کرده بر شهر افزود اهل

شهر و بلوکات دو سال تمام مشاجره هم در دار الخلافه ماندند و خرجها کردند

تا آنکه عقده از کار آنها گشوده نشد بعد حکومت این بلد مفوض شد بیگانه گوهر

صدف شهریاری و فروزنده اختر فلک تاجداری حضرت اشرف

اسعد والا کامران میرزای نایب السلطنه امیرکبیر روحی فداه سعی و کار

دانی آنحضرت رفع قائله شد و قراری در کارها داده شد که و[illegible]

ساکت شدند **در ذکر اصناف قم** با وجود آنکه در هر دکه چند نفر

شرکا هستند ذکر اسامی دکاکین میشود تا بعد معلوم شود اصناف چقدر هستند

اصناف بازار

دکان سماری خبازی خیاطی کفش دوزی خراط

[illegible]

علاف خورده فروش چیت ساز خرازی حلوائی

[illegible]

جوراب دوزی ارسی دوز صرافی حدادی چیلانگری صباغی

[illegible]

نخودبریزی

نخودبریز بقالی قصابی سراجی تنباکوفروش گچ پزی عصاری

[illegible]

نجاری مسگری صفاری حلاجی کلاه دوزی پالان دوزی

[illegible]

دباغی نمدمالی عطاری آجرپزی کوزه فروش زرگری دواگر

[illegible]

قصابی علاقه بند کله پزی برازی پاره دوزی نعلبندی

[illegible]

کوزه فروش قهوه خانه باروت کوبی قنادی

[illegible]

مزروعات

که از آب رودخانه مشروب میشود در قدیم الایام که اعراب

اشعری در قم بوده اند بیست و یک نهر از رودخانه بجهت مزروعات جاری

ساخته اند و بیست و یک قنات در اعلای رود جاری ساخته اند که هر قنات

داخل نهری شده تا رودخانه آب بسیاری داشته احتیاج بآب قناة
نبوده در تابستان آنچه را حقابه از رودخانه داشته‌اند با آب قنات
منضم کرده بمزارع خود میسپرده‌اند حال از آن قناتها بغیر قنات شمس آباد
خالصه اسمی مذکور نمیشود و دایر نیست و از نهار رودخانه ده نهر الان باقی
مانده و باقی انهار خراب افتاده اعراب که رودخانه را قسمت میکردند
بستقه قسمت میکرده‌اند که در حقیقت پرکار بوده هشتصد ستقه مأخذ آنها
بوده است در زمان ممیزی مرحوم میرزا آبابا در دولت خاقان خلد
آشیان فتحعلی شاه آب رودخانه را بخروار قسمت کرده و بیست
یکهزار خروار مقسم رودخانه را قرار داده است باین قرار که هزار خروار رو

کسری

کسری جزو خیرات شهر و محلات باشد و موقوفات امامزاده‌ها
و باقی مالیاتی باشد که مزروعی و باغات از قرار قسمت مالیات بگیرند
مزروعی را قرار داده هر کس را یک خروار جنس و چهار هزار و سیصد
شصت دینار نقد مالیات بدهد شش خروار آب بگیرد و باغات هر کس
یک تومان مالیات بدهد پنج خروار آب بگیرد از اینقرار آب رودخانه
قسمت مینموده‌اند تا آنکه بعد چندی از این عدالت اهل شهر منحرف شده
مأخذ قسمت را سی هزار خروار قرار دادند برای شمس آباد خالصه یکهزار
هشتصد خروار قرار داده‌اند و با نهار باسم سرکش افزوده‌اند
در ممیزی میرزا حبیب الله مالکین املاک راضی نشدند تغییری در آب رودخانه

داده شود بهمان قسمت سابق خود باقی مانند و آب رودخانه بانهار

از اینقرار قسمت میشود که هر برکاری را صد خروار قرار داده اند

نهر براوستان نهر کرج نهر شمس آباد نهر جمکران نهر شهرستان نهر ابرجان

نهر مهرویان نهر تنبه پامن نهر مزدیجان نهر کمیدان نهر شاه آباد

و این انهار که از رودخانه جاری میشود در میان دشت که میرود هر یک

چند شعبه میشود و بمزارع متعدده میرود از مزروعی و باغات و خیرات

هر چه تغییر در مالیات در ممیزی جدید شد حقابه انهار و مزارع بقرار

خود مانده است مزروعی قم از اینقرار است مزرعه براوستان

مشروب از نهر براوستان که فوق انهار قم است از مزارع

قدیم

قدیم و بهمین اسم موسوم بوده است از مزارع مرغوب قم بوده و هست در

آنجا چهارصد خروار بذر کشته میشود صیفی خوب دارد بخصوص جوزق و گرمک

در آنجا خرابهائیست که مثل تپه‌های لوط عالیها سافلها شده است از قرار

تاریخ قم در آن جا قریه بوده که الان خرابه آن به تپه قل درویش مشهور است

در آن قریه غله زیاد و انبار بوده سالی قحطی و گرانی اتفاق افتاده که جائی بغیر از آن

قریه غله نبوده مردم از رئیس قریه غله خریداری کرده اند در وقت فروش

آن بیعاقبت غله را بریان کرده بمردم داده است که زراعت بکنند

و غله فراوان نشود آنمرد جاریه داشته صالحه در وقت فروختن غله

قدری گندم بریان نکرده داخل میکرده است و مردم را خبردار نموده که

در این غله بریان نکرده هست مردم زراعت کردند بعد از انکه مولای
او مطلع شد که مردم زراعت کردند و در صحراها سبزی پیدا شد
دانست اینکار کنیز است قصد آزار او کرده آن کنیزک بدرگاه چاره
ساز بنالید مولای او نرسیده بنزدیک کنیزک آن قریه عالیها سافلها
شده است و کنیزک رهائی یافته مولای او و تمام اهل قریه هلاک قریه
هلاک شده اند هر وقت آنجا را انهار را بکاوند ظروف و آثار گونه پیدا میشود
نعوذ بالله من شرور انفسنا مزرعه جمکران از مزارع قدیم بهمین اسم
موسوم بوده این مزرعه دو آبادی دارد یکی کرکاپی که اورا هادی و مهدی
میگویند که دو امام زاده در انجا مدفونند دیکی قلعه جمکران که دو قلعه تو در تو بوده

در این

در این دو مزرعه سالی پانصد خروار بذر کشته میشود ملک مرغوبی دارد
بقدر یکفرسخ از شهر قم دور است و بقدر یکفرسخ عرض و طول ملک
انجاست غله و صیفی خوب در انجا بعمل می آید مسجد قدمگاه جناب صاحب
الامر علیه السلام در این مزرعه است و حکایت آن چنان است که حسن
مثله جمکرانی حکایت کرده که شبی در بستر خود در قلعه جمکران خوابیده
بودم که کسی آواز داد که ای حسن جناب صاحب الامر ترا می طلبد
برخواستم که قبا و سراویل خود را بپوشم بانک بر من زد که اینها
از تو نیست کنار گذاردم خواستم ردای خود را بردارم بانک بر من
زد که ملک تو نیست کنار گذاردم و اویلا از حالت جمیع مردم

که هرگاه جناب حجت عجل الله فرجه ظهور کند تصرف همه
خلق از املاک و اموال متصرفی خود شان کوتاه شود خلاصه
مطلب بهمان حالت پیراهن و زیر جامه بیرون آمده شرف پای
بوس آنحضرت استسعاد جستم و آنحضرت چون نیک
بنگریدم تختی دیدم نهاده و جوانی سی ساله بران تخت تکیه بر چهار
بالش کرده و پیری پیش او نشسته و کتابی در دست گرفته
بران جوان میخواند و فزون از شصت مرد دراین زمین نماز میکردند
بعضی از جامهای سفید و بعضی جامهای سبز داشتند و آن پیر
خضر پیمبر بود پس آن پیر مرا نشاند و حضرت امام مرا بنام

خودم

خودم خواند و گفت برو حسن مسلم را بگو که تو چند سال است که
عمارت این زمین میکنی و میکاری و ما خراب میکنیم و پنج
سال است که زراعت میکنی و امسال دیگر باره باز سر گرفتی
و عمارتش میکنی رخصت نیست که تو دیگر باره دراین زمین زراعت
کنی باید هر انتفاع که ازاین زمین برگرفته رد کنی تا بدین موضع
مسجد بنا کنند و بگو که این زمین شریفیست و خدای تعالی این
زمین را از زمینهای دیگر برگزیده است و شریف کرده
تو باز زمین خود گرفتی و دو پسر جوان خدای عز و جل از تو باز ستد
و تو تنبیه نشدی و اگر نه چنین کنی از اروی بتو رسد آنچه

تو آگاه نباشی حسن مثله گفت یا سیدی و مولائی مرا در این
نشانی باید که جماعت سخن بی نشانی و حجتی نشنوند و قول
مرا مصدّق ندارند گفت انا سنعلم هناک علامت نادر اینجا
بکنیم تا تصدیق قول تو باشد تو برو و رسالت با بگذار و بنزد
سید ابو الحسن برو و بگو برخیزد و بیاید و آنمرد را حاضر کند و
استفاع چند ساله که گرفته است از او طلب کند و بستاند
و بدیگران دهد یا بنای مسجد نهد و باقی وجوه از رحق بناحیه اردهال
که ملک ماست بیاورد و مسجد را تمام کند و یک نیمه رحق را وقف
کردم بر این مسجد که هر ساله وجوه او را بیاورند و صرف عمارت

مسجد

مسجد بکنند و مردم را بگو تا رغبت کنند بدین موضع و عزیز دارند
و چهار رکعت نماز در اینجا بگذارد دو رکعت نماز تحیت مسجد در هر
رکعتی یکبار الحمد و هفت بار قل هو الله احد و تسبیح رکوع و سجود
هفت بار بگوید و دو رکعت نماز صاحب الزمان علیه السلام
بگذارند بر این نسق چون فاتحه خواند با یاک نعبد و ایاک نستعین رسد
صد بار بگوید و بعد از آن فاتحه را تا آخر بخواند و هر سوره دیگر که
خواهد بخواند و در رکعت دویم نیز بهمین طریق بگذارد و تسبیح در
رکوع و سجود هفت بار بگوید و چون نماز تمام کرده باشد تهلیل بگوید
و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگوید و چون از تسبیح فارغ

شو دسر بسجده نهد چهار بار صلوات بر پیغمبر و آلش صلواة
الله علیهم فرستد و این نقل از لفظ مبارک امام علیه السلام است
که فمن صلیهما فکانما صلیهما فی البیت العتیق یعنی هر که این دو
رکعت نماز را بگذارد همچنین باشد که این دو نماز را در خانه کعبه گذارده
باشد حسن مثله جمعکرانی گفت که من چون این سخن بشنیدم گفتم
با خویشتن که گویا این موضعیست که تو می پنداری انما هذا المسجد
الامام صاحب الزمان علیه السلام و اشارت بدان جوان
کردم که در چهار بالش نشسته بود پس آن جوان بمن اشارت کرد
که برو من آمدم چون پاره راه آمدم دیگر باره مرا باز خواندند و گفتند

بزی در گله جعفر کاشانی است باید آن بز را بخری اگر مردم
ده بها بدهند بخر و اگر نه از خاصه خود بدهی و آن بز را بیاوری
در این موضع بکشی فردا شب آنگاه روز چهارشنبه هجدهم ماه
مبارک رمضان گوشت آن بز را بر بیماران و کسی که علتی داشته باشد
انفاق کنی که حقتعالی همه را شفا دهد و بز ابلق و موهای بسیار دارد
و هفت علامت دارد سه بر جانبی و چهار بر جانبی پس دیگر بار
مرا بر گردانیدند و گفت هفتاد روز یا هفت روز ما اینجا خواهیم بود
اگر بر هفت روز حمل کنی دلیل کند بر شب قدر و اگر بر هفتاد
حمل کنی شب بیست و پنجم ذیقعده الحرام بود و روز بزرگواری است

پس حسن مثله گفت من تا خانه آمدم همه شب دران اندیشه بودم
تا صبح اثر کرد فرض بگذاردم و بنزدیک علی المنذر رفته آن
احوال با وی بگفتم او با من بیامد رفتیم بدان جایگاه که مرا شب برده بودند
پس گفت بالله که نشان و علامتی که امام علیه السلام مرا گفت
یکی این است که زنجیرها و میخهای اینجا ظاهر است پس بنزدیک سید
شریف ابو الحسن الرضا شدیم چون بدر سرای وی رسیدیم
خدم و حشم وی را دیدیم که مرا گفتند از سحرگاه سید ابو الحسن
در انتظار تو است تو از جمعکرانی گفتم بلی در حال در رفتم سلام داده
خدمت کردم جواب نیکو داد و اعزاز کرد و مرا بتمکین نشاند

پیش

و پیش از انکه حدیث کنم مرا گفت ای حسن مثله من خفته بودم
در خواب شخصی مرا گفت حسن مثله نام مردی از جمعکران
پیش تو آید بامداد باید آنچه گوید سخن او را مصدق داری و بر قول
او اعتماد کنی که سخن او سخن ماست باید که قول او را رد نکنی از خواب
بیدار شدم تا این ساعت منتظر تو بودم حسن مثله احوال را بشرح
با وی بگفت در حال بفرمود تا اسبها را زین بر نهادند و بیرون
آوردند و سوار شدند چون بنزدیک ده رسیدند جعفر
راعی گله بر کنار راه داشت حسن مثله در میان گله رفت و آن بز
از پس همه گوسفندان میآمد پیش حسن مثله دوید و آن بز را گرفت که بها

بوی دهد و بز را بیاورد جعفر راعی سوگند یاد کرد که من هرگز
این بز را ندیده ام و در گله من نبوده است الا امروز که می بینم و هر چند
میخواهم این بز را بگیرم میسر نمیشود اکنون پیش شما آمد پس آن
بز را همچنانکه سید فرموده بود در ان جایگاه آوردند و بکشتند و
سید ابوالحسن الرضا بدینموضع آمدند و حسن مسلم را حاضر کردند
و انتفاع از او بستدند و وجوه رهن را بیاوردند و مسجد را در
جمکران بچوب بپوشانیدند و سید ابوالحسن زنجیرها و میخها را
بقم برد و در سرای خود گذارد بیماران صاحب علتان میرفتند
و خود را در زنجیر میمالیدند خدایتعالی شفای عاجل میداد و ابوالحسن

محمد بن

محمد بن حیدر گوید که باستفاضه شنیدم که سید ابوالحسن الرضا
مدفون است در موسویان شهر قم و بعد از ان فرزندی از ان
وی را بیماری نازل شد وی در خانه شد و سر صندوق برداشتند
زنجیر و میخها را نیافتند این است مختصری از احوال آن موضع
شریف که شرح داده شد و الان که سنه ۱۲۹۵ یکهزار و دویست و
نود و پنج هجری است مزرعه جمکران دوازده حصه قسمت میشود
شش حصه را خوانین بیکدلی دارند و شش حصه را سایرین
مزرعه شهرستان این مزرعه ملک مرغوب دارد و سالی
دویست تومان و چهلخروار بذر در آنجا کشته میشود غله و صیفی

خوب دارد و ملک آنجا از اولاد حاجی حسین است مزرعه
طبشقران مشروب میشود از نهر شهرستان ملک اولاد آقا
حسن بابی بواسطه خروج او از دین و متابعت با بهاء در حیات
خودش ورثه ملک او را قسمت کردند بقدر سی خروار بذر
در آنجا کشته میشود صیفی خوب دارد مزرعه غزوان مشروب
از نهر شهرستان تیول مرحمت و غفران مآب میرزا ابوالقاسم
اعلی الله مقامه الآن در دست نوادهای دختری آنمرحوم است
بقدر چهل خروار بذر در آنجا کشته میشود مزرعه محمدآباد ملکی جناب
مستطاب آقای حاجی سید جواد امام جمعه و اخوان

و حاجی

و حاجی رشید خان سالی یکصد خروار بذر در آنجا کشته میشود
صیفی خوب دارد مشروب از نهر شهرستان است مزرعه
صالح آباد مشروب از نهر شهرستان ملکی اولاد مرحوم حاجی
علی قلی بیک بیگدلی بقدر شصت خروار بذر در آنجا
کشته میشود و صیفی خوب دارد مزرعه نصوح آباد ملکی عالیجاه
حاجی محمدرضا بیک مشروب از نهر شهرستان بقدر هشت
خروار بذر در آنجا کشته میشود مزرعه زاویه وقفی سرکار فیض آثار
مشروب از نهر شهرستان ده خروار بذر در آنجا کشته میشود
مزرعه مهرویان از انهار متوسط رودخانه است نهر زیاد آباد

ازاین نهر مشروب میشود که همه آن نهر باغات میرود خود
مزرعه مهرویان ملکی بنده درگاه محمد تقی بیک است و نصف دیگر
آن ازخوانین بکدلی میباشد چند باغ هم ازان نهر مشروب میشود
که در محل دیگر اسامی باغات شرح داده خواهد شد قدری هم
ازحقابه محلات شهر و جزئی هم ازحقابه موقوفات امامزادگان
داخل این نهر است دراین مزرعه بقدر شصت و پنج خروار بذر کشته
میشود صیفی هندوانه و پنبه او خوب میشود مزرعه کرج از انهار
متوسط است مالیات آنجا کلی تیول علمای اعلام دارالایمان
قم میباشد و قدری ازاین مزرعه وقف مسجد امام حسن عسکری است

بقدر

بقدر یکصد و پنجاه خروار بذر کشته میشود ملکی جناب حاجی میرزا حسین
متولی باشی و علمای قم است قدری ازان مزرعه هم ملک مقرب
الخاقان حاجی رشیدخان و عموزادهای او حاجی محمودخان است مزرعه
شمس آباد خالصه این نهر و ملک از جناب امین الدوله اصفهانی
بسبب باقی دیوانی که داشت بعد از رفتن او بعتبات عالیات ضبط
دیوان شد سالی دویست و پنجاه خروار بذر شتوی او است صیفی او
خربزه و جوزق میباشد قدری هندوانه کاری هم میشود در دو فرسخی قم
واقعست قلعه او خراب است اهل دیوان اقدام بساختن او نمیکنند حکام
هم بجهة آنکه دوامی بحکومت خود نمی بینند در آنجا عمارت نمی سازند

بانیواسطه رعیت آنجا ساکن بلده قم است روزی باید دو فرسخ بروند

و دو فرسخ برگردند و در آنجا رعیتی کنند کمال صعوبت در آنجا

دارند بانیواسطه همه ساله مبلغی از مالیات آنجا عمل نمی آید قریه

نصرت آباد میرزا نصرالله صدر الممالک اردبیلی از نهر ابرستجان

که از معظم انهار قم است مشروب میشود و سدس آب این نهر را

نصرت آباد میبرد و سدس مالیات او را هم میدهد این آب که منشعب

از این نهر میشود جزو قنات نصرت آباد کرده اند در این قریه یکصد و

پنجاه خروار بذر کشته میشود صیفی او خربزه و هندوانه و جوزق خوب

دارد تیول مقرب الخاقان میرزا هادی پسر صدر است مزرعه

سواران

سواران مشروب از نهر ابرستجان است سالی سی خروار

بذر آنجا است صیفی خربزه و هندوانه دارد جوزق آنجا متوسط

میشود ملک وراث حاجی آقا محمد قمی است که در ایام خاقان

مغفور در قم حکومت داشته الآن اولاد او عملجات تلگرافخانه

و دائی زادگان مقرب الخاقان وقایع نگارند مزرعه ابرستجان

رعیتی ملک وراث حاجی سید محمد قمی است که استیفای شهر

قم را داشته ولی حال یکنفر از اولاد او باقی است این مزرعه

سالی سیصد و شصت خروار بذر در آنجا کشته میشود ملک این مزرعه

از سایر مزرعه بی قوت تر و کم حاصل تر است صیفی او خربزه و هندوانه است

دیگر از انهار قم نهر مزدیجان است که چند مزرعه از آنجا مشروب
میشود یکی مزرعه مزدیجان است که سالی یکصد و بیست خروار بذر در آنجا
کشته میشود ملکی خوانین بیگدلی است از مزارع مرغوب قم میباشد
خربزه و هندوانه و جوزق و غله او خوب میشود دیگر از مزارع مزرعه
هندیجان است که مشروب از نهر مزدیجان میباشد بهترین مزارع
قم است یکصد و چهل خروار بذر کشته میشود و از جمیع حاصل قم
بهتر میشود صیفی از همه چیز در او خوب میشود ملکی مقرب الخاقان حاجی
رشید خان و حاجی محمود خان و سایر بنی اخوان ایشان میباشد
مزرعه جفت کاوسر مشروب از نهر مزدیجان است ملکی خدام آستانه

مبارکه

مبارکه مقدسه است قریب بشهر است سالی شصت خروار
بذر در او کشته میشود خیار آنجا از جمیع مزارع قم بهتر است
مزرعه کمیدان این همان مزرعه ایست که در هنگام ورود تیول
اعراب نمودند ملک اینمزرعه متصل بشهر است در جلو راه
دار الخلافه صاحبان این مزرعه اشخاص متعدده میباشند از آنجمله
قدری ملکی جناب متولی باشی و قدری ملک طایفه حاجی حسینی است
و مابقی ملک اشخاص متفرقه است بسیار مرغوب و پر منفعت
سالی یکصد و پنجاه خروار بذر در آنجا کشته میشود نهری دارد که
باسم نهر کمیدان مشهور است صیفی او بسیار خوب میشود

مزرعه جمر این مزرعه را عمده شریک جناب متولی باشی است
وجناب حاجی سید جواد و مقرب الخاقان میرزا مهدی آشتیانی
سالی صد خروار بذر دراو کشته میشود از نهر کمیدان مشروب میشود
مزرعه فردوس مشروب از نهر کمیدان است و اکثر اراضی آن
باغات شده سالی سی خروار بذر دران کشته میشود مزرعه جعفرآباد
این مزرعه در جزو تنه پائین مشروب میشود و نهر تنه پائین از نهرها
سفلای دارالایمان قم است و چند نهر ازاو منشعب میشود ازانجمله نهر
چهارباغ که مخصوص باغات است و نهر تنه پائین هم مخصوص انهار باغات
سفلای بلده است در نهر مرادآباد از این نهر منشعب میشود که او هم مشرب

دوسه

دوسه مزرعه است یکی خردکان که سالی پنج خروار بذر کشته میشود
ویکی مبارک آباد موقوفه سرکار فیض آثار که سالی پانزده خروار
بذر دران کشته میشود ویکی هم مزرعه مشهور بحقبه که سالی ده خروار بذر
دراو کشته میشود و باقی باغات خارج شهر میرود دو نهر دیگر هم
هست که در همه سال نباید دایر باشد یکی نهر کهنه دیلمه که این مزرعه
از املاک مزرعه براوستان است و باید در میان ده شریک قسمت
شود ولی جناب متولی باشی از دست شرکاء انتزاع نموده اند
و نهر مخصوص برداشته اند و آن را زرع میکنند و بقاعده مالیات
نباید در تابستان این نهر دایر باشد بجهة آنکه مالیات از باغات

اینمزرعه نمیدهند ولی بواسطهٔ قوه بلدی در تابستان هم
دایر است و یکی دیگر نهر کهنه اقل بندگان است که در فاضل
آب که آب رودخانه بمصیله میرود از آن نهر شرب باغات خود را
میکنند و در وقتیکه رودخانه بحساب نهایات قسمت میشود این نهر
آب ندارد باغات دایره حالیه قم باغات داخل حصار
و باغات خارج حصار پنجاه قطعه میباشد باغات طرف
حضرت معصومه یکی باغ حاجی قربانخان یکیست در دولت خاقان
مغفور آباد نموده است بقدر شصت جریب میباشد در زمان باسما
میوه خانه معتبری بوده از قبیل زردآلو و سیب و آلوچه و انار

وانجیر

وانجیر ولی حال قدری خرابی پیدا کرده باغ بالای مرحوم
حاجی اصغرخان از باغات مشهور قم است در آنجا عمارت
با صفائی دارد و خیلی میوه خانه معتبریست و از روی سلیقه اشجار
او غرس شده و چنان آباد است که آفتاب را بر زمین او راه تابش
نیست بقدر هفتاد جریب هم محل باغست باغ دراز در جنب
باغ حاجی اصغرخانست ملکی عالیجاه حاجی محمدرضا بیک دواخوان
در دولت خاقان مغفور آباد شده اگرچه بآبادی باغ حاجی
اصغرخان نیست ولی آباد است خصوص میوه بهاره آن
بقدر هشتاد جریب محل باغست باغ قاسم دباغ

از باغات قدیم است بانی معلوم نیست الآن اکثر ملک عالیجناب
حاجی میرزا هدایت الله است که از فضلای قم است غالب میوهٔ
آنجا سیب و زردالو و گوجه است محل باغ بقدر شصت جریب است
باغ حماط از باغات قدیمست الآن مالکین آنجا کمال مواظبت را
بآنجا دارند و بسیار آباد است از همه نوع میوه بسیار دارد
و بقدر پنجاه جریب هم محل باغست باغ مرادآباد دهقی سرکار
فیض آثار است ملک مرغوب دارد و قلیل درختی دارد بواسطه
موقوفه بودن در آنجا توجهی نمیشود محل اشجار آن حال محل فصیل کاری
شده یکصد جریب محل آنجا است باغ نیم حصه مشهور ملکی

جناب

جناب متولی باشی میباشد در این دولت ابد مدت آباد کرده
بقدر سی جریب میباشد همه نوع میوه دارد در نهایت آبادیست
باغ هرون آباد از باغات قدیم است بقدر چهل جریب است در سابق
خیلی آباد بوده است ملکی اولاد مرحوم میرزا ابراهیم است چون بواسطه
سختگیری متولی باشی که بآنها شد پریشان و خراب و از استطاعت
افتادند و باغ آنها هم خراب شد باغ دو دانگه در قدیم باغ مخصری بود
حاجی صفرخان او را بزرگ و آباد کرده است بطریقی که نظیر آن در قم نیست
و از همه نوع میوه دارد بقدر هشتاد جریب محل آنجا است باغ وزیر
از باغات قدیمه است و چندی بود که مخروبه بود قریب ده سال است که عالیجناب

حاجی محمود خان سعی تمامی در آبادی آنجا دارد تا بحال قریب دو هزار
خرج آنجا نموده که ثلث آنرا آباد کرده است باغ علی آباد حاجی رشید خان
بیگدلی است بواسطه نبودن او در ولایت قم مخروبه شده باغ عنایت بیگ
از باغات قدیم است ملکی غلامحسین خان یاور فوج خلج ساوه بواسطه نبودن
در قم خراب شده باغات طرف دروازه قلعه طرف قبله میباشد
باغ اقل بندگان محمد تقی بیگ خارج دروازه قبله بقدر بیست جریب است
در این دولت ابد مدت آباد نموده ام و از میوه های ممتاز دارد و انار معتبر هم
دارد باغ صفا بقدر شصت جریب است الآن سه قسمت شده در یک
قسمت آن میوه بهاری و پائیزی بسیار دارد از باغات قدیمه است انار

وانجیر وفور دارد ملکی اولاد اسحق بیگ حاجی آقا محمد بیگ است
باغچه سیدان ملکی عالیجاه نصر الله خان بیگدلی میباشد اشجار
آن انار و انجیر معتبر دارد بقدر چهل جریب محل باغات باغ ریگ ملکی
جناب میرزا سید محمد برادر جناب متولی باشی است انار انجیر بسیار است
بقدر چهل جریب میشود باغ معصوم آباد وقفی سرکار فیض آثار است داخل
باره شهر است میوه انار و انجیر دارد بقدر یکصد و سی جریب است
باغچه نو ملک آنجا وقف سرکار فیض آثار است سی جریب میشود باغ
دلگشا از باغات قدیم شهر است انار و انجیر و به و گوجه بسیار دارد
بقدر سی جریب است باغ کوچه حوریان از باغات قدیم قدری

آنرا شاهزاده کیکاوس میرزا ارک و عمارت ساخته و قدری
هم بیوتات شهر شده است بقدر بیست جریب آن بحالت باغ باقیست
و ملک حاجی محمد شال فروش است باغ قاضی از باغات قدیم است
اکثر آن بیوتات شهر شده بقدر ده جریب بحالت باغ است باغ
قلعه حاجی میر علینقی از قلعه های قدیم افغانی بوده او را باغ کرده اند
از میوه انار و انجیر دارد بقدر شصت جریب است باغ قلعه میرزا
خان از قلعه های افغانی بوده میرزا آقا خان آنرا باغ کرده و در باره شهر واقعست
انار و انجیر زیاد دارد بقدر شصت جریب است قلعه حاجی میرزا احمد
مشرف سرکار فیض آثار است بتاریخ قلعه افغانی بوده میرزا محمد علی

مشرف

مشرف سرکار فیض آثار آنرا باغ کرده باره و بروج مستحکم دارد
بقدر ده جریب کالی در آنجا است که دو دانک آن وقف جناب سید
الشهدا علیه آلاف التحیة والثنا است باغ مورچی از باغات قدیم
اغلب آن بیوتات و باقی مانده باغچه شده است بقدر بیست جریب
باغ غیاث آباد حسن خان و اسد الله بیکدلی مرحوم مرتضی بیک
والی ایشان در این دولت باغ کرده انار و انجیر زیاد دارد دو حاصل بار
شهر است بقدر چهل جریب باغ غیاث آباد مقرب الخاقان حاجی
رشید خان بیکدلی و این ملک دو قسمت میشود قسمتی از حاجی رشید خان
و سهمی از بنده جان نثار است که تازه دست بآبادی آنجا زده است

اشجار آن هنوز ثمر نرسیده باغ سلطانم داخل باره شهر است
میوه انار و انجیر زیاد دارد ملک عالیجاه نصرالله خان بیگدلی و اولاد
او حاجی ملا اصغر خان در آنجا کمالی قدیم بقدر یک صد جریب است
باغ دراز آقا ابوالقاسم لبته بیاره شهر است میوه انار و انجیر دارد
بقدر بیست جریب باغ مهبان وقفی سرکار فیض آثار ملک
او وقف است و اشجار آن ملک ورثه حاجی سید جعفر سرکشیک
سرکاری در بیرون درب قلعه میوه انار و انجیر دارد بقدر بیست جریب است
باغ زنبیل آباد جناب متولی باشی است در قدیم الایام مزرعه بوده که مرحمت
و عفران مآب میرزا ابوطالب اعلی الله مقامه در آنجا باغ ساخته وقف روضه

خوانی خامس آل عبا کرده جناب متولی باشی او را عرصه و طویل کرده
از باغات مشهور قم است تا شهر نیم فرسخ مسافت دارد میوه بهاره و پائیزه
زیاد دارد بقدر هشتاد جریب باغ حاجی میرزا اصفی و حاجی سید مهدی
در این دولت جاوید آیت آباد شده از اراضی مزروعی مهرویان است میوه
خوب دارد و هشتاد جریب باغ گنبد سبز از باغات قم بوده است ده بقعه
از مشایخ اشعری که سعد و سعید نام دارند ساخته شده در نهایت استحکام در کنار
امام زاده جعفر ع است میوه انار و انجیر زیاد دارد بقدر چهارده جریب باغ
پشم میوه آنجا انار و انجیر است بقدر پانزده جریب باغ
خواجه جعفر از باغات قدیم است میوه انار و انجیر دارد

وکنار مزار علی ابن جعفر بقدر شصت جریب است باغ
کرباسی جناب حاجی میرزا سید حسین متولی باشی سابقاً
ملک مرحوم میرزا ابوالقاسم صاحب قوانین بوده
الآن ملک جناب متولی باشی است میوه بهاره
خوب دارد بقدر چهل جریب است باغ حیدری از
باغات قدیم قم بوده است الآن قلیلی انار و انجیر
دارد بقدر شصت جریب محل باغ است باغ
محب از باغات قدیم قم است میوه انار و انجیر ملکی آقا
حسن باپی است که ورثه قسمت کرده اند بقدر سی جریب است

باغ صاحب

باغ صاحب آباد ملکی علمای قم است و قدری هم عالیجاه
حاجی رشید خان مالک میباشد مرحمت مآب میرزا علیرضای
مجتهد والد ماجد جناب مستطاب حاجی سید جواد آباد نموده اند
در عهد خاقان مغفور میوه آنجا انار و انجیر و تپه محل باغ
یکصد جریب است باغ شاه مراد و باغ ارغوان بسیار مختصرند
انار و انجیر اشجار آنها میباشد باغ سلاخ خانه سه قطعه است
دو قطعه ملکی عالیجاه حاجی محمد رضا بیک است آبادی او
خوبست غالب اشجار انار و انجیر و توت میباشد یک قطعه ملکی
ورثه حاجی آقا محمد است مخروبه شده اشجار کمی دارد تمام

سه قطعه هشتاد جریب است باغ اسدالله از باغات قدیم است
ولی الآن اشجار آنجا بکلی معدوم است محل باغ سی جریب باغ
مسکران ملکی طایفه سپکدلی است در قدیم قریه بوده و مزرعه و باغ
معتبر داشته حال آبادی قریه بکلی خراب است و باغ آن اشجار
کمی دارد ولی مزرعه آن سالی چهل خروار بذر درو کشته میشود
باغ سنده بکلی خراب شده بواسطه دوری آب و اراضی آن محل
زرع میباشد محل باغ چهل جریب است باغات طرف دروازه
ری که در سفلای بلده واقع است در سمت شرقی باغ باحک
در قدیم اس بوده جناب متولی باشی در این دولت ابد مدت آباد

نموده همه نوع میوه دارد و بسیار آباد نموده و بقدر بیست و پنج جریب
محل باغ است باغ فخرآباد دو قطعه است مختص جناب میرزا
سید حسین متولی است و بسیار آباد نموده اند میوه بهاری و تابستانی
و پائیزی بسیار دارد خصوص گلستانی دارد که در تمام باغات قم
نظیر او نیست یکی دیگر ملکی جناب میرزا محمد تقی و ورثه مرحوم
میرزا سید محمد مستوفی است او هم آباد است و معتبر هشتاد جریب
محل دو باغ است باغ حاجی میرزا احمد علی موضوع از فخرآباد بیست
بواسطه تعدی صاحبان فخرآباد بسیار خراب میباشد اشجار کمی
از او باقی مانده بقدر بیست و پنج جریب است باغ کاوجا

باغ مخصوص است بواسطهٔ سرکار شهر تعدّی باو میشود و رو بخرابی
گذاشته بقدر بیست جریب است باغ شمس آباد و باغ مخصوص است
باغهای مشهور باغچه باغ تپه و قطعه میباشد ملکی جناب مستوفی
و جناب حاجی سید جواد است نهایت آباد و دارند بقدر بیست
جریب میباشند باغ شاه خالصه در وسط شهر واقع است موقوف است
بر مدرسهٔ ناصریه و منافع آن صرف روشنائی و مخارج طلاب
مدرسه میشود از قرار فرمان تصرف کسان مقرب الخاقان حاجی
میرزا نصرالله مستوفی گرکانی است آب او را قدری شرکاء
شهر تعدّی میکنند آبادی آن وسط است اشجاران انار و انجیر است

باغ دولتانه خالصه در جنب دروازهٔ کاشان واقع است اراضی
آن ملک میباشد همه ساله زرع میشود و تیول مقرب الخاقان وقایع
نگار است و از جانب او عالیجاه نصرالله خان متصرف میباشد
باغ نو سروکاج از باغات قدیم است در وسط شهر کهنه قدیم
واقع است از آثار دیوار و عمارت میان باغ چنان معلوم
میشود که خانه و مسکن یکی از معتبرین بوده ولی حال بواسطهٔ دوری
آب چندان آبادی در آنجا نمیباشد اشجاران انار و انجیر است
وقتی در آنجا بودم دیدم کسی بخط جلی در یکی از بالاخانهای آن
رباعی را بعد از اندراس او نوشته است رباعی

آنقصر که جمشید براوزد پهلو بر درگه او شهان نهادندی رو
دیدیم که بر کنگره‌اش فاخته‌ئی بنشسته و میگفت که کوکوکوکو

حقیقت بسیار بموقع نوشته بود فاعتبروا یا اولی الالباب

در ذکر قنوات حومه و نواحی قم

قنوات حومهٔ قم بر دو نوع است قدری در علیای بلده واقعست و آن رشته قنواتست اول قنات مبارکهٔ ناصریه است که اعلیحضرت اقدس شهریاری وقف اهالی قم فرموده اند تفصیل این است که در سنه ۱۲۷۶ که ذات اقدس شهریاری عزم تشریف فرمائی قم را فرموده بودند در آنوقت حکومت قم با مقرب الخاقان

میرزا

میرزا حسن خان گرگانی که الان سررشته دار دار السلطنه تبریز است مفوض بود اهالی شهر از بی آبی و تنگی خود بحضرت ظل اللهی شکایت نمودند و از آن سحاب رحمت مطالبهٔ آب نمودند همت ملوکانه و رأفت شاهانه شامل احوال آنها شده بخواهش تسلیم مقرب الخاقان میرزا حسن خان نمودند و حکم محکم قضا توام شد که بزودی آبی از برای اهالی قم مهیا کنند که عیش آنها مهنا شود آن مقرب الخاقان این بنده درگاه جهان پناه محمد تقی بیک را در اینکار داشت و سعی در احداث قنات مزبوره نمود از بخت بلند حضرت شاهنشاه جمجاه قنات فی

شد در نهایت اعتبار و آبش در نهایت وفور بعد از عرض بخاکپای

جواهر آسای مبارک و دستخط مبارک شرف صدور یافت

که خود بنده درگاه متصدی رسانیدن آب معاینه برابادو

رعایا شوم و خلعتی از دیوان مرحمت شد که زیب بر و دوش

خود نمودم و مستمری نقد و جنسی مرحمت شد که همه ساله صرف

معاش خود کنم و من الاقران سرافراز باشم و این بنده

درگاه جهان پناه هم تاکنون که سنه ۱۲۹۵ میباشد در باب خدمت

محوله خود کمال سعی و جهد را بجا می آورم از وفور آب قنات

مزبور همین بس که بلده قم در آبادی و وسعت بقدر دو ثلث

طهرانی

طهرانست از این بگذشته قنات مشروب میشود و در تمام خانها

اشجار و گل و لاله میکارند و خداوند چنانچه وجود اعلیحضرت شاهنشاه بابا

حیات اهالی این بلده طیبه شده اند که آیه و افی هدایه بر آن

دالست که و من الماء کل شیء حی ملک او را خالد و عمر او را

موبد بدارد قنات میرزا ابوالقاسم چهار دانگ او وقف شهر

قم است و دو دانگ آن ملک یکدانگ و نیم از اولاد مرحوم تقی

قلی بیک بجهة شرب باغ عباس آباد و نیم دانگ بجهة قلعه خود میرزا

ابوالقاسم از چهار دانگ وقفی چیزی عاید شهر نمی شود

جزای آنها که موقوفات را می خورند و مصرف وقفی نمیرسانند خداوند

و وقف الاسرار است قنات شمس آباد و از قناتهای قدیم قم
و خالصهٔ دیوانست سالی دو هزار و پانصد و چهار تومان اجارهٔ
آنجاست بعد از وضع نسق که با حاکم است قنات شاه آباد و
جرستان در اسفل قم است از قناتهای خوب عالم آب
شیرین گوارا دارد جناب اجل اکرم آقای مستوفی الممالک
وقف مصارف بقعهٔ مرحوم والدش نموده بشرح وقفنامچه
علیحده قنات سح آباد حاجی علی اکبر پالان دوز قنات
مختصریست ملک مرغوب دارد اگر چه کم میکارند و زیاد حاصل
برمیدارند قنات نصرت آباد مرحمت پناه میرزا نصر الله

اردبیلی صدر الممالک در زمان حکومت خود در قم جاری
ساخت مالیات آنجا بتول مقرب الخاقان میرزا هادی پسر آن
مرحوم است سالی یکصد و پنجاه خروار بذر در آنجا کشته میشود
حاصل از همه چیز خوب دارد قنات مبارک آباد از قناتهای
قدیم است محمد حسین خان خلج جاری ساخت الآن از حاجی
آقاخان پسر اوست خربزه و جوزق و کرچک و گندم و جو
خوب میشود سالی هشتاد خروار بذر در آنجا کشته میشود قنات
کریم آباد ملکی محمد علی بیک حاجی حسینی است آب او اندک شوری
پنبه داری در آنجا بد نمی‌شود قنات فتح آباد آب شور مزه

دارد نصر الله خان بیکدلی بعضی از آن از املاک است که وقف
روزه خوانی کرده است باقی مال رعیت است پنبه کاری آنجا
خوب است اکثر او قنات بجهة مجاورت با املاک شمس آباد خالصه خراب
میشود قنات حصار شنه از اولاد حاجی علی قلی بیک حاجی حسنی است درست
چون در اطراف او ریگ روانست بحصار شنه موسوم شده
جوزق آنجا بر قنات امتیاز دارد قنات کرم آباد از حاجی
محمد رضا بیک است آب گوارا دارد در سر راه کاشان است
چهار طاقی و حوضخانه خوبی دارد مردم از آن بسیار مستفیض
میشوند حاصل آنجا جوزق خوب دارد قنات جنب آباد

درجنب

درجنب کرم آباد سر راه کاشانست بهشت مترددین کاشانست
در آن بیابان گرم که دم از هوای برهوت میزند آب گوارا
دارد قنات پرمنفعت است قنات علی آباد از قناتهای مرحمت
و غفران مآب میرزا ابو طالب مجتهد است که دو دانگ او
وقف روزه خوانی است بعد از فوت آن مرحوم اولاد خلف
آنجناب از دست داده قدری را حاجی آقا خان خلج خریده
شراکت در آبادی آنجا نمیکنند ملک او را از آب مبارک آباد
زراعت میکنند خربزه و غله در آنجا خوب میشود قنات
کوی آباد ملکی ملا عبد الله عرب بود الان اولاد او

یعنی این جنس قریه شیمیه پسندارو برو غله و خربزه و پنبه آنجا خوب
میشود قنات فرج آباد و پسنگ زراشها قنات مختصری است در کنار
قنات احوص آباد جناب متولی باشی الحاق فرشاده اغلب اوقات
خرابست نعوذ بالله من جار السوء و قرین السوء قنات سورک آباد
مشهور بکویر آباد آب شور دارد و پنبه کاری در آنجا میشود
قنات رضا آباد استاد حسن اصناف قم قنات مختصری است
باندازه آتش حاصل دارد قنات حسین آباد نواب عالیه علیه
شکوه السلطنه قنات مختصریست آب و ملک قلیلی دارد و بعضی از
آن ملک حاجی میرزا زین العابدین است که در وقف قسمت

دارند آب شوری دارد غله او ربیعی ندارد پنبه در آنجا
خوب میشود قنات جعفر آباد از قنوات قدیم است که خراب شده بود
آقا سید حسین محرر دار القضاء قم قدری از آنجا را میرزا ابو الحسن جندقی
یغما فروخت و خرجی از او گرفت که آنجا را آباد کند بعد از
آبادی چیزی از حاصل آنجا بیغما نداد یغما که مردی هجو پیشه بود
یکی از غزلهای خواجه را در هجو او تضمین کرده است چند شعر او
نوشته میشود

دوستانم همه گفتند که این سید ازو
تاج جمشید ربود و کمر کیخسرو — داد از دست تو ای سید بستان زن و شد
وای بر حال تو ای ملحد بد کار و بد — بعد ازین ار فلان پر شم زن خود بگذر

بنز

سهم خود را در جیب کرده بشهر می آورد قنات فرج آباد در جمشیا
میرزا ابوطالب اعلی الله مقامه دو دانگ وقف روزه خوانیست
چهار دانگ ملک نواده های آمرحوم است قنات معتبری است
غله و خربزه خوب دارد قنات حاجی آباد سعدوند دو دانگ
وقف تعزیه داری جناب سید الشهداست اولا مالک آنجا
سعدوند بود عشق ملقب بتفنی خان داشت او را مراد کشن بدزین
فحشهاست مردی کرم پیشه بود و شکار دوست الآن
پر وقیر شده قنات مؤمن آباد از قدیم مخروبه بود محمد حسین خان
خلج آنجا را آباد کرد سالی یکصد خروار بذر در آنجا کشته میشود

زراعت

زراعت خربزه و پنبه خوب دارد آبادی آنجا قریه معتبریست
قنات کون کوه از قناتهای مخروبه بود در این سنوات حاجی
آقاخان خلج آباد کرده است قنات خوبی است قنات عباس
آباد قنات معتبریست حاجی آقاخان خلج آباد کرده است پنبه و خربزه
دارد قنات خلج آباد در قدیم قنات مخروبه بوده حاجی آقاخان
خلج آنجا را جاری کرده بجهة شرافت نام نامی خلجها او را خلج آباد
نام کرده که این نسب شریف از میان نرود از شدت شوره
محصول آنجا خوب نمی شود ولی قدر معتبری دارد که طاحونه
آنجا ساخته که سالی دویست تومان اجاره میدهد

قنات مروارید قنات وسطی است پنبه کاری و خربزه
درآنجا خوب بعمل می آید قنات خمارخان علیا مخروبه است اراضی
او را خمارخان سفلی زرع میکنند قنات خضرآباد ملکی لکهای
سعدوند است جوزق کاری میشود آب شور دارد غله او متوسط است
قنات جمشید مخروبه است ملک آنجا را اهل مؤمن آباد زرع
میکنند قنات چهار برج خراب است ملک آنجا را مالکین دولت
که صاحب هر دو قنات میباشند زرع مینمایند قنات سرآب
از قنات مشهوره عالم است در کتب ثقه و تواریخ اسم او
ضبط است آب شیرین گوارا دارد که از آبهای خوب

عالم است خربزه آنجا در نهایت شیرینی و نازکی است
مثل خربزه های کرکاب اصفهان اکثرش در طهران فروش میرود
در حقیقت ام القراء قنوات قم است همه آن قنوات از توابع
سراب میباشند قنات حسن آباد ملکی اولاد ملا عبد الله عرب است
یکدانگ آنجا وقف مسجد قریه و تعزیه داریست خربزه و جوزق
خوب بعمل می آید آبادی معتبری دارد قنات حسین آباد
ملکی جناب مجتهد الزمانی حاجی ملا صادق است طرفه آنکه
سرنگک ایشان عباسی است اعمی که سرآمد اهل طرب میباشد
خصوص آنکه کمانچه را خوب از عهده بر می آید غله متوسط میشود

پنبه کاری حاصل صیفی آنجاست قنات زعفرانی از خوانین کاشانست
درحومه قم قسم پنبه کاری خوب دارد خربزه هم درآنجا خوب میشود
قنات هاشم آباد از قنوات قدیمه است ملا عبدالله عرب باسم
ولد خود حاجی میرزا هاشم آباد نموده جوزق خوب درآنجا بعمل میاید
غله متوسط است قنات احوص آباد از قنوات قدیم قم است
که احوص رئیس طایفه اشعری بنا کرده بود در این سنوات حاجی
علی اکبر قمی بعد از خرابی او را آباد کرده الان نصف او
ملک جناب متولی باشی و نصف ملک حاجی میرزا هاشم است
خربزه خوب و پنبه خوب درآنجا بعمل می آید غله آنجا متوسط است

قنات

قنات حمارخان سفلی آب وسطی دارد غله و پنبه کاری
آنجا خوب میشود قنات بطلیحه وقفی سرکار فیض آثار است خربزه
و جوزق درآنجا خوب میشود قنات دولت آباد حاجی ابوالقاسم
بیک آب زیاد دارد غله آنجا بواسطه آنکه قدری شور است متوسط است
ولی پنبه زیاد بعمل می آید مشهور است درهیچیک از قنوات مثل
آنجا پنبه بعمل نمی آید قنات لوازان قنات معتبر نیست متصرفی
جناب متولی باشی خربزه و جوزق و غله خوب درآنجا بعمل
می آید قنات علی آباد سفلی از املاک موقوفه سرکار
فیض آثار است چون چندی مخروبه بود جناب متولی باشی

او را واریمنوده‌اند حال تصرفات مالکانه درآنجا مینمایند غله
و خربزه و جوزق خوب درآنجا بعمل می آید قنات رستم آباد
ملکی جناب مستطاب حاجی سید جواد سلمه الله است قنات
معتبر نیست در عهد اینه دولت ابد مدت آباد نموده‌اند غله و خربزه
و جوزق درآنجا خوب بعمل می‌آید قنات حسین آباد جناب میرزا محمد تقی
جدید النسق است و مختصر میباشد قنات جعفر آباد پائین قنات مختصر است
چندان آبی ندارد قنات دولت آباد جناب حاجی سید جواد
سلمه الله تعالی آب و ملک مرغوب دارد حاصل شتوی و
صیفی درآنجا خوب میشود از قنوات صفحه قمرود است قنات فسخ آباد

مرحوم میرزا زین العابدین البرز مستوفی است الآن ملک
مقرب الخاقان میرزا سید احمد وزیر عراق است قنات زواره
خراب شده در سر راه طهران واقع است کاروانسرا و قبرستان
فروشی درآنجا ساخته‌اند قنات قاسم آباد منصرفی عالیجاه آقا
اسد الله مقوم در سر راه کاشان واقع است وقف طلاب
نجف اشرف میباشد آقا اسد الله اجاره کرده آباد نموده
قنات رانون آباد ملکی آقا اسد الله درجنب قنات قاسم آباد است
ربع آن وقف امامزاده سکینه خاتون مدفون قاسم آباد است
دراین دو قنات جوزق و غله متوسط العمل می آید در دو قنات

هفت خروار بذر کشته میشود قنات جعفرآباد واقع در صفحهٔ قمرود

ملک مرغوب دارد و آب مختصری غله آنجا خوب میشود قنات

سکراب واقع در صفحهٔ قمرود و آب مختصری دارد سالی پانزده خروار

بذر کشته میشود قنات شریف آباد وقفی سرکار فیض آثار در صفحهٔ

قمرود است آب و ملک معتبر دارد خیلی غله و صیفی آنجا خوب

میشود سالی چهل خروار بذر در آنجا کشته میشود قنات حاجی

آباد مشهور بزوارآباد ملکی جناب متولی باشی است وجه تسمیهٔ زوارآباد

آنکه جناب متولی در این سنوات از میان اراضی مزرعهٔ برادستان

و مزرعهٔ شهرستان این قنات را احداث نمود و ملک او را هم

از املاک

از املاک برادستان گرفت چون تمام او را بزوار ارشیش

بردند در میان مردم بزوارآباد مشهور شده عجب تر آنکه

با وجودیکه سالی سیصد تومان اجاره میرود و میرزا حبیب الله

ممیز یکصد تومان نقد و پنجاه من جنس برای مالیات بسته اظهار میکرد

که این ملک چگونه از عهدهٔ این مالیات برآید هیچ خجالت نمیکشید

باب در ذکر طواحین دارالایمان قم در سابق چهل طاحونه

در قم دایر بوده بعد از خرابی افغان تا حال آبادی قم

بحدی رسیده که حال بیست طاحونه در قم دایر است موافق

تفصیلی که در ذیل مذکور میشود طواحین شمس آباد خالصه که مرحوم

امین الدوله اصفهانی دایر نموده و ربع آن از وقف سادات
اخوی نموده سوای ربع موقوفه تتمه بخالصه عمل میشود چهار حجر است
طواحین واقعه در مجری قنات مبارکه ناصریه دو حجر سپهسالار
ملکی مقرب الخاقان حاجی میرزا نصرالله مستوفی گرکانی
و اقل بندگان که در سالهای کم آبی بسیار بکار این بلده میخورد
پس از اذن اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه ساخته شد طاحونه
خواجه دار از نهر شهرستان حجر طاحونه حاجی عباسعلی واقع در
مجری شهرستان نهر ملکی اقل بندگان حجر طاحونه صنیع الله
واقع در مجری نهر برادستان ملکی حاجی ابوالقاسم یک حجر

طواحین

طواحین جناب مستوفی باشی واقع در مجری نهر شه امین دو حجر
طاحونه حاجی حسین واقع در مجری نهر مردبچان ملکی عالیجاه میرزا
ارسطو حجر طاحونه حاجی میرزا واقع در مجری نهر کمیدان ملکی
حاجی محمد شال فروش ساکن طهران حجر طاحونه لتان واقع
در مجری نهر سلاخ خانه حجر طاحونه حاجی رجبعلی واقع در مجری
نهر محمد آباد حجر طاحونه نشسته شاه واقع در مجری نهر برادستان
ملکی حاجی محمد رضا یک حجر طاحونه مومن آباد واقع در مجری
قنات مومن آباد حجر طاحونه خلج آباد حجر طاحونه نوازان
واقع در مجری قنات نوازان متصرفی جناب متولیباشی

حجر باب در ذکر یخچالهای قم یکی یخچال قاضی است

بتفصیل سابقا و چنانست که سالی در آخر تابستان قاضی سعید

و فرستاده بود نزد صاحبان یخچال باغ رئیس کمال که این قلیل یخ را

بجهة من بگذارید جواب گفته بودند که کسی که چنین حکم می کند

باید خود یخچال بسازد چون این خبر بسمع او رسیده بود جواب

داده بود که راست گفته اند از شدت تسلط و کثرت مباشر

معین کرده بود که میبایید در دو ماه میزان و عقرب یخچالی ساخته

شود یخچالی ساخته اند که چنین یخچالی تا حال در قم ساخته نشده

الان ملک حاجی محمد شال فروش طهرانی است دیگر یخچال

مشهور

مشهور به یخچال سلطان خانم واقع در کنار شهر از یخچالهای قدیم است

دیگر یخچال شاهزاده جهانگیر میرزاست که حال ملک جناب متولّی

باشی شده دیگر یخچال رئیس آباد است که مرحوم میرزا ابو طالب ساخته

و الآن ملک جناب متولّی باشی شده است و دیگر یخچال باقر

خان است که در این چند سال ساخته شده دیگر یخچال حاجی

میرزا احمد مشرف سرکار فیض آثار است و اقل بندگان

وقف تعزیه داری نموده اند دیگر یخچال اقل بندگان است که

در سنه ماضیه ساخته باب در ذکر ایلات و مراتع دار

الایمان قم مخفی نماناد که در عهد خاقان شهید که فتح

شیراز منتشر شد هفت طایفه از ایلات فارس را کوچانیده بقم وطن
دادند چون آنها طالون زده بودند و اموال اهل آنجا را بغارت برده
بودند حشمی نداشتند مدتی در قم شهرنشین بودند بعد از آن
بنای نوکری در بیت خانه علما را گذاشتند و بآن فطرت دانی
که داشتند بنای شرّ و فتنه را گذاشتند تا آنکه هر طایفه خود را
بیکی از علمای شهر چسبانده بودند نزاع افتاد و چند نفر مقتول
و مجروح شدند عوض آنها در بار خاقان خلد آشیان
فتحعلی شاه رسیده پانصد تومان بجهت خزینه آنها جریمه گرفتند
بعد از آن حکام بعد چند سال از آنها بصیغه استمرار گرفتند اینها

دولت که این فقره را دانستند جزو کتابچه مالیات کردند رفته
رفته حال مالیات آنها در ممیزی جدید هزار و صد تومان شده
از قرار تفصیل طایفه زندیه شتر و گوسفند زیاد دارند قشلاق
در غربی شهر قم دارند در دامنه کوه یزدان و دو شاخ
که حد پاوه وقف مالیات آنها سیصد و بیست و دو تومان
و چهار طایفه سعدوند در دهات حومه شهر عیشی دارند
شغل آنها زرگری است شتر زیاد دارند که خربزه دهات را
بدار الخلافه میبرند مالیات آنها سیصد تومان طایفه کرزر.
سوای آنها که چاروا داری میکنند قلیل گوسفندی دارند

مالیات آنها هشتاد و پنج تومان است طایفه کابلی بقدر یکصد و

پنجاه خانوار هستند از سکنه شهر شغل آنها نوکری نیست و حشم نیز

دارند و مزرع آنها در کنار رودخانه سپاه است مالیات آنها

صد و هشتاد و نه تومان و ششهزار است طایفه زند شهری و عبد الملکی

از سکنه شهرند در قلعه قسم در هموار و خارج مزرع دارند شتر و گوسفند

دارند مالیات آنجا پنجاه و پنج تومانست طایفه کلهر از سکنه شهرند

حشم زیاد ندارند مالیات آنها صد تومانست طایفه نشتی تمام شهرند

قلیلی از آنها باقی است مالیات آنها هفت تومان و پنجهزار است

فصل در ذکر احوال بلوکات قسم از بابت آب و ملک

و مردم آنها با ختلافات هوا و ارتفاعات باب اول

در ذکر بلوک وارکزو و این بلوک در سه فرسخی قسم واقع است

مشتمل بر سه قریه و چند مزرعه میباشد قریه صرم هوای آن

معتدلست نه بگرمی بلده است و نه بسردی کوپایه است آنجا از قنات

بسیار آسمان نگر در سال کم بارانی قناتهای آنها کم آب میشود حاصل

آنها جو و گندم است و باغات آنجا مشجر از انار و انجیر است

انار صرم بهتر از انار ساوه و کند است بسیار خوش مزه

و خوش دانه است انجیر درشت خوب دارد صیفی آنجا

جوزق و پیاز و نعناع میباشد بطریقی که نعناع و تخم پیاز

بلده اکثر از این قریه میاید مردمی هستند جو و پشم دارند
چنانچه هر وقت ممیزی شده بواسطه وقاحت آنها مالیاتی
فوق طاقت بر آنها بسته اند باین واسطه همه فقیر میباشند
آدم صاحب مایه در این قریه بسیار کم میباشد از آنکه در ممیزی
میرزا حبیب الله فی الجمله تخفیفی برده اند قریه در سفلای
قریه صرم است و مردم آنجا با صرم هوای آنجا چندان
تفاوتی با صرم ندارد حاصل شتوی آنها جو و گندم خوب میشود
صیفی جوزق کار است باغات آنها انار و انجیر است نصف انار
و انجیر صرم قلعه دارد واقع در سر قلعه کوه حال که جمعیت

انهار ما

زیاد شده در دور قلعه خانها ساخته اند مایه آنها بهتر از اهالی
صرم میباشد اینها هم در ممیزی جدید تخفیف برده اند
قریه لنجرود و مالیات این قریه در جزو مالیات قریه جوزآباد نوشته
میشود و مالک این قریه هم همان اهالی جوزآباد میباشد رعیت
بزرگ آنجا در خود لنجرود ساکن میباشند آب آنجا از قنات است
و از فاضل رودخانه کوار باغات بسیار دارد از باغات بلده
و بلوک ممتاز است انار و انجیر آنجا طوری است که درختی که انجا
من انار و انجیر بدهد بسیار است توت بسیار دارد و نظیر توت کند
طهران حاصل زمینی غله بسیار خوب میشود هندوانه خوب میشود

مالیات این سه قریه یکهزار و چهار و کسری بیست نهصد تومان
وکسری مالیات جوزآباد و لنجرود و دست و پانصد و کسری مالیات
صرم مزارعات آن بسیار است ولی چون چشمه سار است
قابل تحدید و توصیف نمیباشد جمعیت این سه قریه قریب بهزار نفر است

باب دوم در ذکر بلوک قهستان معرب کوهستان
میباشد قراء این بلوک در میان کوهسار واقع است مگر دو
قریه هوای آنها سرد و میوه ییلاق قریه درجان این
قریه در دشت واقع است ابتدای بلوک قهستان است
تا بلده چهار فرسخ است باغات آنها انار و انجیر است

انجیر

انجیر آنجا بسیار معتبر است بطوریکه انجیرشان در قم مثل آنجا
نمیباشد حاصل زمینی غله است اگر اراضی آنجا شوره‌زار است
ولی غله آنجا خوب میشود و آب آن قنات است جمعیت ذکور و اناث
قریب دویست نفر مالیات یکصد و پنجاه تومان صیفی کاری
اغلب جوزق است قریه سرو به این قریه در بالای قریه درجان
واقع است ملک او هم در دشت و هم در کوه واقع است آبش
معتبرتر از درجان و از قنات است هوایش سردتر از درجان باغات
چندان ندارد جوزق تشنه در اینجا خوب میشود غله کاری خوب میشود
جوزق کاری هم خوب میشود مزرعه در آنجاست که چهار دانگ

وقف حضرت معصومه قم و سه دانگ ملکی وقفی جوزق او
خیلی خوبست رعایای آنجا ذکورا و اناثا قریب یکصد نفر میشود و مالیات
دیوانی یکصد تومان شاه ابراهیم از اولاد امام موسی در این
قریه مدفون میباشد قریه کهنگ ام القری قهستان است
قریب بیست رشته قنات دارد باغات و زراعات خوب دارد
در یکی از قنوات آنجا که مسمی بنره است مخصوصا جوزق و غله
بهتر از همه قنوات میشود و میوه کوهستانی در آنجا بسیار است هوایش
معتدل مردمش با فطانت و رعیت نش عالیجاه حاجی میرزا رضای
طبیب که در قم نظر او نیست از اهل این قریه است و عمده تربیت

مالک آنجا خود رعایای آنجا میباشد من جمیع الجهات ده حجر
مساوی آب دارد قریب پانصد نفر ذکورا و اناثا جمعیت مالیات دیوانی
هشتصد و هفت تومان میوه گرمسیری در آنجا کم است قریه
قیادزن هوایش مایل بسردی واقع در میان کوه زمینش شوره زار
گندم و جو تر شه در آنجا خوب میشود آنجا میوه ییلاقی آبش آب
قنات سه چهار رشته قنات دارد آبش همان نکر جمعیتش قریب
یکصد و پنجاه نفر مالیاتش دویست و هفده تومان قریه میمی آ
بهترین قرای قهستان است ملکش مرغوب و آبش از قنات
معتبر است باغاتش میوه کوه پایه دارد و انجیر هم دارد حاصلش

جو و گندم و جوزق است هوایش معتدل میان ییلاق و گرمسیر
ده با صفائی است در حلکه اتفاق افتاده است مالیاتش دویست
و شصت تومان قریه دستجرد و پرقان شرح حالت پرقان
در تفصیل امامزاده شاه اسمعیل ذکر شد دستجرد بالای میم است
هوایش خوب مایل بسردی باغاتش میوه ییلاقی دارد حاصلش
جو و گندم و پنبه مالیاتش یکصد و هشتاد و چهار تومان آبش از قنات
قریه وشنوه از قرای معتبر قهستانست هوای ییلاق دارد کوهسار
راه سبات بر آن احاطه دارد چنانکه در حلکه اگر صرصر حادث شود در
آنجا بغیر نسیم ملایمی نخواهد بود و باین واسطه توت آنجا خوب میشود

بنظر

بنظر تومانهای دربند طهران هوای آنجا آنقدر سست که در تابستان
شمع بی فانوس میسوزد و اشک ندارد با وجود این بالای پوشش
نمی توان نشست باغات بسیار دارد دیگر شیخ نشر طول
باغاتش از رودخانه و قنات هم آب دارد در نهایت خوب
زیاک و شنوه و فندق آنجا مشهور است چند حاصل در آنجا از
هزار تومان کمتر نیست زیاک گندم فندق گردو انگور بسیار است
اما شیرین نمیشود اشجار خواکه بسیار دارد مردمی شرارت
پیشه دارد همه پیاله از فرط شرارت جنایات آنها مقابل مالیات
میشود حکایات آنجا این است که با وجود آنکه همه باغات دارند

خوراک هر کس از باغ همسایه مهیا شد حاصل خود را صرف نمیکنند
در کنیز سخی آنجا کوهی است مشهور بکوه قوقو که راه پیشتر ندارد دو در
کمرگاه کوه مغاره ایست که بوسط کوه میبرد و در آخر مغاره حوض
آبی است وسیع هر قدر طناب میاندازند بعمق آن نمیرسد آخر حوض
هم معلوم نیست سرکدو و پوست کدو را فتیله و روغن گذاشته
روشن میکنند و آب را حرکت میدهند هر قدر میرود تا آخر حوض نمیرسد
از لطافت هوا مگس و پشه در آنجا پیدا نمی شود مالیاتش هشتصد و
هشت و نه تومانست قریه خاوه جزو قهستان است ده محصر دولت
در اسفل رود خانه فره دو واقع است هوایش مایل بسردی

میوه

میوه آنجا ییلاقی است مالیاتش یکصد و دوازده تومان است
قریه طبره ده مختصر بی مداخلی است پهلوی خاوه از همه جا خلی
روزگار رعیتش بهتره هوایش مایل بسردی میوه ییلاقی دارد
مالیاتش چهل و چهار تومانست قریه فرد و ارقه از معتبر قهستانست
هوایش نزدیک بهوای دشنوه باغاتش میوه ییلاقی آبش از
رود خانه وقات مالیاتش چهارصد و چهل تومان است مرتع
بسیار خوب دارد و در آنجا مزرعه ایست موسوم بیوسف وکی ورگی
در دره کوهپر واقع اند هوای شان بغایت سردی که بدر آنجا را
باید پیش از ورود آنجا گشت در اول پائیز آب در آنجا یخ می بندد

و کبک و تیهو در آنجا بسیار است قریهٔ کرمجگان اعلاء قراء
قهستانست هوایش باد و شنوه تفاوتی ندارد سیب در این قریه
بی نظیر است چنانچه این بنده وقتیکه در عقرب از آنجا عبور
میکردم دو فرسخ بده مانده عطر سیب زیاد می آمد باغات
بسیار دارد و غله کم مشهور است در کرمجگان شش رشته آب و
دادوادنان مالیاتش هفتصد و چهارده تومان است قریهٔ ابرجس از
قهستان است مردمی شرارت پیشه دارد چنانچه در وقت ممیزی
چنانچه در وقت ممیزی بواسطه بدحالی آنها مالیات فوق الطاقه
بر آنها بسته بودند و آنها سیاه روزگار بودند مدتی در دیوان

دوندگی کردند تا تخفیفی گرفتند در ممیزی جدید کار آنها بد شد
آنقدر مبرم بودند که مرحوم صدر اعظم میرزا آقا خان چیم ابرجس را
به نقطه میخواندند و مختصر اینست الآن مالیاتشان دویست و چهل و
یک تومان است قریهٔ بیدهند از قراء قهستانست هوای ییلاقی
دارد و باغات بسیار دارد سیب و آلو و امرود در آنجا بسیار است
این بنده وقتی سه بار سیب از یک درخت چیدم باز پر از سیب بود
مردمی حلال زاده دارد و خاصه مباشرین آنجا هرگز خالی از مزاحمه
نمیشند هرگاه حاکم ظالمی پیدا شود وجود آنها مثل اکسیر است
مالیاتش پانصد و هشتاد و هشت تومان است قریهٔ و نارج

جز و هفتسان باغات ندارد مردمش خلج هستند در نهایت
حماقت حاصلش گندم و جو رق گذران آنها از گوسفند است
مرتع خوب دارد مالیاتش یکصد و چهل و چهار تومان است

باب سیم در ذکر بلوک جاسب این بلوک مشتمل است بر هفت قریه
هوای آنجا مایل به سردی است باغات آنجا متوسط است سابق
باغات آنجا خیلی آباد بود بواسطه خشک سالی گرانی بسیاری
از باغات و اشجار آنها خشک شد درخت بادام در آنجا از همه
بلوکات قم بیشتر است زمین آنها کم وسعت است بطوری که تا به
همه سال اراضی خود را بکار زند با وجود آن محصول آنها وفا بخرج

اهل آنجا نمی‌کند لهذا اغلب رعیت جاسب شش ماه در ولایات
متفرقه از قبیل طهران و قم و کاشان مشغول کاسبی کاسبی
حلوائی‌گری میشوند و حلوای ارده را خوب میپزند و باین واسطه
اکثر اهل جاسب از حرارت حلوا خوردن سر کچل دارند در راه
جاسب گریوه هست که هرگاه برف ببارد و راه عبور یخ بندد و
مسدود میشود و در قریه بیجگان که ده اصل جاسب است
بواسطه کوهسار که احاطه بقرای سبعه دارد راه بیرون رفتن
فاضل آب از آن قریه است و تفصیل آن چنانست که در اطراف
جاسب چنان کوهسار احاطه دارد که گویا دیوار کشیده اند

و در پائین این ملوک سوراخی است که گویا با کلنگ اورا
سوراخ کرده اند اگرچه کار خدا هست این سوراخ بقدریکه
بکمال عبور کند در هنگام طغیان آب فاضل آب جا بجا از
این سوراخ بیرون میرود و از بالای قریه دو دو یک
داخل رود خانه قم میشود از اشخاص معتبر آنجا مرحوم شاه
صاحب جاسبی بود که بنده مدتها براو وارد میشدم خانه
داشت در کمال آراستگی و محل نزول مردم و بسیار مهمان
دوست بود و خرج خوب میکرد و اقوال مردم این بود
که در وقت سیر و سلوک از ریاضات شاقه چنان شده

که روزی

که روزی دو تومان و چهار از غیب باو میرسیده و بعضی مدعی
شدند در کیمیا داشتن او و هیچیک از اینها را خود مدعی نبود
بلکه هر وقت در کمال خصوصیت بنده از او جویا میشدم که
شما را این اندازه خرج ضیاع و عقاری نیست و از کسی هم
چیزی نمیگیرید این خرج از کجاست بغیر انکه متکفل توکل
دارم ادعائی نداشت بازماندگان ایشان نتوانستند بدستور
خرج آن مرحوم رفتار کنند معلوم است باولاد خود هم
اظهاری نداشت پسندی بود در کمال حسن سلوک و بهمه کس
چیز میداد و از کسی نمیگرفت قراء سبعه جاسب از قرار تفصیل است

قریه واران   قریه زر   قریه گردکان
قریه بهارجان   قریه وشیکان   قریه سچکان
قریه وسفوبعان   اکثر مردم آنجا سادات و علما میباشند
و از فضایل این بلوک همین قدر بس که شش نفر از اصحاب
حضرت صاحب الزمان ع از اهل آنجا میباشند مالیات این
هفت قریه موافق تعدیل جدید دو هزار و چهار صد و سی
تومانست باب چهارم در ذکر بلوک اردهان از اراضی
متبرکه است از ائمه اطهار احادیث بسیار در فضل آنجا وارد است
و این بلوک مشتمل است بر هفت قریه حضرت سلطان علی

ابن

ابن امام محمد باقر در قریه مشهد اردهال مدفون است و در
آنجا موقوفات بسیار دارد هوایش سرد است و ییلاق
رودخانهای متعدد دارد ولی کوچک است بسیار جای
با صفائی است باغات آنجا میوه ییلاقی دارد غالب محصول
شتوی آنجا گندم است حاصل صیفی آنجا خیار و هندوانه
بسیار خوب میشود جوزق آنجا متوسط است باغات و اشجار
بسیار دارد اما اهالی مشهد تمام سادات میباشند
قریه کله جار آنجا مردمانی بودند که حضرت را آنجا نعش
نشان داده اند و میوه آنجا سنگ شده بود حال هم

مردم آنجا خبیث و ملعون میباشند چند نفر مردم صاحب اعتبار
در آنجا بودند که صاحب صد هزار تومان بودند ولی از تقدیرات
آسمانی اولاد آنها اغلب پریشان میباشند مالیات آنجا
یکهزار و سیصد و سی تومانست اسامی قراء آنجا موافق تفصیل است

قریه مشهد مدفن امامزاده — قریه سبیجان — قریه کله جار
قریه کرمه — قریه ارنگ — قریه خاوه
قریه سابق — قریه مردش — مزرعه کردآباد
مزرعه دم آب علیا و سفلی

باب

در ذکر دهات و مزارع کنار رودخانه از قدیم النسق و جدید النسق

که در

که در اینجا ولی جزو قم شده است قدیم النسق آنجا قریه طالقان
که در کنار رودخانه قم در اعلای رودخانه چهار فرسخی قم است
آبش از رودخانه نهر بزرگی دارد گندم و جو زرق در آنجا
خوب میشود ملک آنجا نبود و شش شعیر قیمت میشود هر شعیری
سی من گندم و پانزده من پنبه تخم در آنجا کشته میشود
در نهایت ربع گوسفند بسیار دارد باغات خوب رعیت
رعیت آبادی دارد با بابه و مکنت در روی رودخانه آنجا
پلی دارد یک چشمه در میان رودخانه که مجرای آب است
کوه و کمری اتفاق افتاده که از آنجا آب رودخانه از زیر

میشود و بقدر شش ذرع مثل ناودان میریزد برودخانه
در نهایت شدت معلوم است وقتی که با پانصد سنگ یا هزار
سنگ آب از ناودانی بریزد چه قدر صدا دارد طرفه
این است که ماهی رودخانه در فصل زمستان در حوالی قشم و
گرمسیر است و بعد از سیزده نوروز هرچه ماهی در گرمسیر است
باید برود به ییلاق و از این آب زیر که اسم او المه میباشد
بالا میرود وقتیکه آنقدر آب از شش ذرع راه بریزد ماهی که
میخواهد بالا برود از هزار سنگ آب چگونه بالا میرود در وقت
فرو ریختن آب وقتها میشود که اشجار قطور را رودخانه میآورد

دروهنه

در دهنهٔ المه که میرسد فی الفور میشکند و خورد میشود و با لجن
ماهی از گرمسیر بیاید پایین این آبشار و مثل تیر که از کمان
بیرون رود و از این آبشار بالا میرود و خیلی حکایت عجیب است
بتصوّر درست نمی‌آید از جملهٔ جدید النسق مزارع متعدد است
که در کنار رودخانه اتفاق افتاده معتبر آنها چند قریه است
باقی مزارع است در کنار رودخانه که ذکر آنها بتفصیل موجب
تطویل میشود مگر چند قریه که یکی از آنها قریهٔ چشمه علی است
قلعه دارد و زراعتی در کنار رودخانه کوهی است زرد
رنگ در سر کوه چشمه است مشهور بچشمهٔ علی در چشمه

باندازه ویزه ایست بقدر ده گره آب او پائین است
مثل دیگی که در نهایت غلیان باشد هیچو شد گاهی از شدت
جوشش کف میکند و بقدر یکوجب از سر چشمه بالا می آید
و بعد فرو کش میشود متصل انهار را دارد اما آبش گرم
نیست سرد است و شور یکی از قراء جدید النسق قریه لوبچان است
در برابر نمور الفاق قشاده در غربی رودخانه از آنجا تا محلات
چهار ده هزار گام است غله کاری خوب دارد و باغات
مرغوب در آنجا مرحوم حاجی آخوند محلاتی باغی ساخته است
در نهایت صفا در سر راه محلات واقع است او را

وقف

وقف عابرین سبیل کرده هرچه از عابرین سبیل زیاد می آید
بفروش میرود در سر راه همیشه سبدی میوه چیده اند هر کس
می آید از آن میوه بقدر میل خود میخورد و بها نمیدهد رحمة الله علیه
آن باغ بقدر پانزده جریب است دیگر دهات و مزارع. آنجا
قابل تفصیل نیست اسامی آنها ذکر میشود که این کتاب احاطه
بجمیع مزارع داشته باشد از این قرار

حسین آباد	چم عابدین	چم یحیی	چم حسن آباد
چم حاجی مراد	چم استاد حسین	چم صفر علی	مزرعه سید آباد
چم رکان	قریه امیر آباد	چم رمضان	چم لاس آباد

چم حاجی میرزا رضا   چم محسن خان   چم نوروز   چم میرزائی

مزرعهٔ جودان   چم صالحی   چم آسیاب خراب   چم پل کوچک

مزرعه چم مهدی   سیاه کوه   قریهٔ زرقان   چم سرخه

چم های ملا علی   چم خالقی   چم آسیا طاحونه   مزرعهٔ نو

افشجرد   حسن آباد   حسین آباد

باب در ذکر قمرود که در شصت قم است در چهار فرسخی

قم این قریه خالصه دیوان است دشتی در نهایت وسعت

دارد دو فرسخ در دو فرسخ ملکی بحاصل‌خیزی آنجا

در عالم نیست در قدیم هفت قنات داشته است الان

سه قنات

سه قنات آنجا دایر است یکی قنات خوانی که مخصوص زراعت

قمرود است و نهری هم از رودخانه دارد دو قنات دایر

دیگر شریف آباد و وقفی سرکار فیض آثار است و یکی دولت آباد

جناب حاجی سید جواد و چهار قنات مخروبه دارد که بجهت

هزار تومان میشود آباد کرد باعتقاد این بندهٔ جان نثار هرگاه

چهار قنات آباد شود قمرود استطاعت شهری دارد در قریهٔ

قمرود درخت نیست آب خوراکی آنجا از چاه است حوض و

آب انبار ندارد آب در آنجا بکار نیست غیر خوردن رعیت آنجا

باجمالو و علی اللهی هستند طهارت نمیگیرند و وضو نمیزنند از عبادات

همین حساب کامل دارند در ماه رمضان سی روز قمر ار روزه
گرفتن را میگذارند تا ماه تمام میشود میگویند امسال که گذشت
در آینده فراری داده خواهد شد مردمی جلادت پیشه
دارد و مال مکاری زیاد دارند باب در باب معادن قم
معادن قم کوه نمک است که مشهور بمعدن کل نمک است در جهار
فرسخی قم است مجرد و بالا رفته و دور آن هموار است از سر
کوه چشمه نمک میجوشد و از دره سرازیر میشود و نمیشود و بالای او
رفت نمکی در نهایت ملاحت دارد و سفید است و آب نمک او
جاریست در روی آن آب نمک بسته میشود هر وقت کسی از

مقید نمین خواسته اند نمک آنجا مالیاتی وارد بیاورند چیمهای شی
نمک آنجا خشک میشود طرفه این است که هر کس در آنجا برود
نمک بیاورد باید نمک بکند بعد از کندن نمک بقدر بارگیری
خود می بیند در حوالی آنجا نمک کنده خشک مهیاست نمک کنده
خود را میگذارد و آن نمک خشک را بار میکند می آورد اگر
ده روز در آنجا گردش کنند تا نمک را نکنند نمک کنده خشک پیدا
نمی شود این مطلب از تجربه شده است دوره کوه نمک سه فرسخ
دیگر از معادن کوههای قم کوه کله قاضی است که سنگ
گچ قم را از آنجا می آورند تا قم یک فرسخ است گچ با قوت

بسیار خوبی دارد دیگر کوه زرداقی با قسم کفر سخ و نیم است
سنگ آهن سفید دارد در نهایت خوبی دیگر از کوه های
معروف کوه خضر است که در کفر نخی قسم است کوه بی آب است
در بارهای آنجا معدن مس است لیکن بیشتر از خرج برداشت
نمیشود با نیو اسطه کسی در آنجا کار نمیکند در حوالی او فرقهٔ جراینست
که مسکران مشهور است در سر کوه خضر دو مسجد از آجر ساخته اند
که قدمگاه خضر است در آنجا آنحضرت را مکرر دیده اند و دو مسجد
ساخته اند رفتن بالای کوه صعوبتی دارد دیگر از کوههای
قم کوه زرد است در قدیم مرتع گله زردان فارا مجوسی بوده

الان

الان هم بکوه یزدان مشهور است هزار و سیصد و سه ذرع
دارد و مرتع خوبی دارد اما کم آب است دیگر کوه دو برادر است
که دو کوه ملصق هم است در ترکیب و هیأت هیچ تفاوتی
هم ندارند هرگاه مساحت شود زیاد و کم نیست بسیار سخت است
انشاءالله منظور نظر قبول ارباب دانش شود حرره و صنفه
چاکر جان نثار دربار معدلت مدار محمد تقی بیگ
ولد حسنعلی بیگ قمی سیراب قنات

ناصری حرره
المذنب عبدالرحیم القمی

بتاریخ شهر محرم الحرام فی ۱۲۹۵ هجری


کتابخانه
مجلس سنا